

تحولات پیش‌گیری از جرم و اهمیت آن

دکتر علی صفاری *

چکیده

این مقاله به شناخت تحولات پیش‌گیری از جرم و اهمیت آن در مقایسه با نقش دیگر سیاست‌ها و اقدامات کنترلی متفاوت در برابر جرم به‌ویژه از نوع کیفری و سرکوب‌گر می‌پردازد. پس از بیان اهمیت پیش‌گیری از جرم در مقایسه با کیفر، تأکید شده که نگرش به تجربیات دیگر کشورها، به‌ویژه غرب که در این مقوله دارای تجربیات فراوان هستند، باید با تأمل و تعمق کافی و با توجه به زمینه‌ها و توانایی‌های داخلی باشد. سپس رویکردهای سه‌گانه مربوط به کنترل جرم به گونه‌ای که در دهه‌های اخیر در غرب شکل گرفته مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. نتیجه این که پیش‌گیری به دلایل مختلف بر واکنش در برابر جرم برتری دارد و به منظور طراحی یک سیاست جنایی کارا در کنترل جرم لازم است شناختی صحیح و علمی از هر جرم، فرایند وقوع آن و آثار مختلف جرم بر زندگی فردی و اجتماعی مردم داشت. هم‌چنین لازم است از تکیه صرف بر شیوه‌های بزه‌کار-مدار کنترل جرم و استراتژی ارباب کیفری مبتنی بر حبس و سرکوب پلیسی دوری کرده و بیش از پیش از برنامه‌های مردمی و بزه‌دیده محور پیش‌گیری بهره برد.

کلید واژگان

پیش‌گیری از جرم، پیش‌گیری بزه‌کار-مدار، پیش‌گیری بزه‌دیده-مدار، فراموشی بزه‌دیده، تحقیقات پیمایشی جرم/ بزه‌دیده، پلیس مردمی/ محله، پلیس همسایه.

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

هر چند شناخت هر پدیده ناگزیر اهمیت آن را نیز دست کم برای کسانی که با آن آشنایی دارند روشن می‌کند، ولی چنان که در جای دیگر بحث شده به نظر می‌رسد که پیش‌گیری در مقایسه با واکنش از دو سو دارای برتری و نیازمند نگاه عمیق به آن است: از یک سو، در موارد زیادی به دلایل متعدد جرم یا مرتکب آن کشف یا شناسایی، دستگیر و کیفر نمی‌شود یا کیفر بر او اثر چندانی ندارد و در نتیجه پیش‌گیری از آن بر اعمال اقدامات واکنشی و رفتن به راه برخورد و سرکوب که تجربه نشان داده پیچ و خم و دست‌اندازه‌های کشنده زیادی دارد برتری می‌یابد. از سوی دیگر، کنترل نشدن واقعی جرم و اصلاح نشدن رفتار مرتکبان یعنی رخ نمودن واقعی نتایج اقدامات واکنشی (و عموماً کیفری) در جامعه با کاربرد زیاد نیروهای سرکوب‌گر، حس خستگی و حتی نومیدی را در نیروهای دست‌اندرکار ایجاد کرده و به دنبال آن سخت‌گیری بیشتر و پایین آمدن آستانه تحمل عوامل درگیر و پاسخ‌گو به این پدیده خسارت‌بار اجتماعی را سبب می‌گردد. این امر به نوبه خود به کارگیری کیفرهای سنگین‌تر و گسترش دامنه استفاده از آن‌ها برای افراد بیشتری را به دنبال خواهد داشت که نه تنها به آشکار شدن شکست بیشتر و گسترده‌تر اقدامات کیفری و سرکوب‌گر می‌انجامد بلکه جامعه را به یک جامعه کیفرمدار با صرف هزینه‌های زیاد مادی، سیاسی، انسانی و اعتباری تبدیل می‌کند و در یک کلام ضربه خوردن به مقبولیت و مشروعیت نظام حاکم را در پی می‌آورد.

به دو مورد مذکور که بیشتر کاربردی هستند می‌توان دلایل دیگری نیز در اهمیت پیش‌گیری افزود. نخست این که، پیش‌گیری از جرم بهتر، قابل‌پذیرش‌تر و در بسیاری موارد کم‌هزینه‌تر از برخورد و واکنش در برابر آن است. از همه این‌ها مهم‌تر این که پیش‌گیری دست‌آوردهای بیشتر و قابل‌اطمینان‌تری نسبت به واکنش به ویژه از نوع سرکوب‌گر از خود بروز می‌دهد. دیگر این که، نه تنها عقل گروهی دنیای امروزین، ما را بر والاتر بودن پیش‌گیری از جرم بر سرکوب کیفری مرتکبین آن رهنمون می‌سازد بلکه دین و فرهنگ مردمی کشور ما نیز با پیش‌گیری هماهنگی و همراهی بیشتری دارند. باید در همین جا گفت که برخی گفته‌های مردمی در برخورد شدیدتر با بزه‌کاران را نمی‌توان کاملاً در برابر این بیان دید، زیرا اگر آگاهی کافی در مورد شیوه‌ها و بازخوردهای پیش‌گیری نسبت به کیفر و هر واکنش دیگری برای مردم بازگو گردد تردید بسیار کمی در پذیرفتن پیش‌گیری به جای واکنش باقی خواهد ماند.

دست کم در ادبیات کیفرشناختی و جرم‌شناختی دنیای امروز به‌طور کامل آشکار و ثابت شده که سیاست‌های کیفری متفاوت با تکیه بر انواع مداخلات حکومتی حتی از نوع اصلاحی از جمله و به‌ویژه با کیفر حبس در بیشتر کشورهای پیشرو غربی در امر مبارزه با جرم به شیوه‌های علمی و بر اساس آزمون و خطا و نظریه‌های حساب شده بازده و عملکرد خوبی نداشته است. بررسی‌های بین‌کشوری و حتی بین‌قاره‌ای نشان می‌دهد که علاوه بر ناکامی اشاره شده در

۱. صفاری، علی، اهمیت پیش‌گیری از جرم، دیپاچه در امیرحسن نیازپور، بزه‌کاری به عادت: از علت شناسی تا پیش‌گیری، انتشارات فکر سازان، ۱۳۸۷، صص. ۲۰-۱۷.

۲. برای آگاهی بیشتر از هزینه‌های انسانی و مادی اجرای کیفر، رک.

- صفاری، علی، کیفرشناسی و توجیه کیفر، علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقای دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران)، جلد دوم، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴، صص. ۱۵۲-۸۹.

3. Martinson, "What Works: Questions & Answers about Prison Reform", the Public Interest, No. 35, 1974, pp. 22-54.

- Radzinowicz, L. & King, J., The Growth of Crime, The International Expediency, London, Hamish Hamilton, 1977.

- Muncie, J. & Sparks, R. (Eds.), Imprisonment: European Perspectives, Open University Press, 1991.

- Vass, A.A., Alternatives to Prison: Punishment, Custody and the Community, London, Sage, 1990.

- Mathiesen, T., Prison On Trial, London, Sage, 1990.

نظام‌های مختلف، تفاوت‌های موجود اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و شاید از همه مهم‌تر تفاوت‌های ارزشی یا ایدئولوژیک نه تنها باعث اختلاف در میزان شکست یا پیروزی یک سیاست در حل مشکل جرم در یک کشور با کشور دیگر می‌شود، بلکه این امر به همراه تفاوت دیدگاه‌ها به جرم و انواع آن، میزان نرمش یا چشم‌پوشی یا تحمل اجتماعی و سیاسی در برابر وقوع جرم در کنار بسیاری گونه‌گونی‌های دیگر مثل ارتباطات خاص اجتماعی، قومی و نژادی، مذهبی و حتی زبانی باعث تعریف متفاوت از جرم و سیاست‌های مبارزه با آن و انواع واکنش در برابر جرم یا مداخله در آن می‌گردد. برای نمونه می‌توان به تحقیق انجام شده توسط «کاری» اشاره کرد که در آن به‌خوبی نشان داده شده که باوجود زایش و گسترش انواع نظریات درباره جرم و تبیین عوامل آن در امریکا، به‌طوری که این کشور را در این زمینه به یک مرجع علمی قوی در این زمینه بدل کرده است، میزان جرایم ارتكابی در این کشور و مشکلات مربوط به آن شش تا هفت برابر سایر کشورهای انگلیسی زبان است.

به دلایل فوق‌الذکر لازم است به هنگام تحلیل یافته‌های تحقیقاتی دیگر جوامع یا انجام بررسی‌های تطبیقی درباره جرم و پیش‌گیری از آن به منظور بهره‌برداری از نتایج به‌دست آمده در محیط و جامعه‌ای متفاوت، به عوامل بسیار مهم و تأثیرگذاری هم‌چون مفهوم‌سازی و تعریف جرم، نگاه به آن به‌عنوان یک معضل اجتماعی و به‌ویژه شیوه‌های پیش‌گیری و ارزیابی نتایج آن با چشمی باز و دقتی بالا و نکته‌سنجی‌ای در خور نگاه شود و مورد تحلیل قرار گیرند. آن‌گاه با بومی‌سازی مفاهیم و برآورد امکان بهره‌برداری از آن‌ها در فضایی متفاوت از ارزش‌ها و اندیشه‌های زیربنایی، به طرح‌ریزی و سپس اجرای برنامه‌های پیش‌گیری از جرم پرداخت. در غیر این‌صورت هر برنامه‌ای از قبل به شکست و

-
- Clarkson, C.M.V. & Morgan, R. (Eds.), *The Politics of Sentencing Reform*, Oxford, Clarendon Press, 1995.
 - 4. Brantingham & Faust, "A Conceptual Model of Crime Prevention", *Crime & Delinquency*, No. 22, 1976, pp. 284-96.
 - Bright, J., "Crime Prevention: The British Experience", In Stenson & Cowell, *The Politics of Crime Control*, London, Sage, 1991, pp. 62-86.
 - Currie, E. & Wilson, J.Q., "The Politics of Crime: The American Experience", (A Debate Between E. Currie & Wilson), in Stenson & Cowell, *The Politics of Crime Control*, London, Sage, 1991, pp. 33-61.
 - King, M., "The Political Constitution of Crime Prevention: A Contrast between the French and British Experience", in Stenson & Cowell, *The Politics of Crime Control*, London, Sage, 1991, pp. 87-108.
 - Martinson, op.cit.
 - Sutton, A., "Crime Prevention: Promise or Threat", *Australian & New Zealand Journal of Criminology*, No. 27, 1994, pp. 5- 20.
 - Shneider, H.R. & Kitchen, T., *Planning for Crime Prevention: A Transatlantic Perspective*, London & New York, Routledge, 2002.
 - Cohen. L. & Felson, M., "Social Change & Crime Rate Trends: A Routine Activity Approach", *American Sociological Review*, No. 44, 1979, pp. 588-608.

برای مطالعه کلی‌تر رک.

- Mclaughlin., Eugene & Muncie, John, (Eds.), *Controlling Crime*, Second Edn. , Sage Publications in association with the Open University Press, London & Elsewhere, 2001.
- Fitzgerald, M., Mclennan & Pawson, J. (Eds.), *Crime and Society (Readings in History and Theory)* , Routledge in association with the Open University, London, 2002.
- Box, S., "Crime, Power and Ideological Mystification", in E. Mclaughlin, Muncie, J. & Hughes, G.(Eds.), *Criminological Perspectives: Essential Readings*, Sage Publications, London, 2003, pp. 271-283.
- Currie, E., "Social Crime Prevention Strategies in a Market Society", in Mclaughlin, Muncie & Hughes, op. cit., 2003, pp. 369- 380.
- 5. Currie, E., *Confronting Crime: The American Challenge*, New York: Pantheon, 1986.

حتی مقاومت از سوی برخی نیروهای بومی و در پایان مردود اعلام شدن اندیشه زیربنایی آن محکوم خواهد بود، به‌ویژه اگر چنین برنامه‌هایی در زمانی مناسب و در قالبی مورد پسند مطرح نشوند.

در مورد مسأله مورد بحث در این جا یعنی پیش‌گیری از جرم معمول است که به کشورهای غربی و امریکا نگاهی خاص شود؛ زیرا این کشورها سرچشمه اصلی و اولیه نظریه‌پردازی علمی درباره جرم و سپس پیش‌گیری از آن به شکل رایج کنونی بوده و هستند. با این حال، مطالعات انجام شده توسط خود غربی‌ها^۶ نشان می‌دهد که جرم هنوز یک معضل اجتماعی در این گونه جوامع است و به دنبال آن جمعیت کیفری، به‌ویژه جمعیت زندان، رو به افزایش است. البته لازم است تأکید گردد که همیشه رابطه مستقیمی بین افزایش جمعیت زندان و افزایش جرم وجود ندارد و مثلاً ممکن است که سیاست‌های خاص پلیسی به کشف و ثبت بیشتر جرم بینجامد و در نتیجه افراد بیشتری به زندان بروند و یا دادگاه‌ها با به‌کارگیری جایگزین‌های زندان مانع افزایش جمعیت حبس گردند یا دولت سیاست‌هایی در کاهش جمعیت زندان اتخاذ کند. هر یک از این‌ها می‌توانند به نوبه خود مانعی در برابر افزایش موازی و برقراری رابطه مستقیم بین افزایش جرم و جمعیت زندان باشند. در نتیجه می‌توان گفت، با این که دولت‌های غربی دارای تجربیات گران‌بهایی در زمینه شناخت جرم و پیش‌گیری از آن بوده و هستند، اما نگرش به آن‌ها به عنوان یک الگو نباید تنها با نگاه به موفقیت‌ها باشد، بلکه شکست‌ها و کمبودهای سیاست کیفری و جنایی آن‌ها نیز باید در نظر گرفته شود و مورد بازبینی قرار گیرد و چنین کاستی‌ها و شکست‌هایی نیز با توجه به معیارهای جامعه مربوط در نظر گرفته شود نه با جامعه‌ای که قصد سیاست‌گذاری برای آن وجود دارد، در غیر این صورت تله‌ای که در بالا به آن اشاره شد باز گسترده خواهد شد.

درست به همین دلیل و با نگاه به بازبینی‌های انجام شده و اندیشه در مورد آن‌ها مشخص می‌گردد که تحولات رخ داده در دهه‌های اخیر در سیاست‌های مربوط به جرم در کشورهای غربی تا اندازه زیادی برای یک محقق دارای فضای فکری متفاوت قابل تأمل می‌باشد. محور این تحولات را می‌توان در سه عنوان زیر خلاصه نمود:

۱- راهبردهای اساسی مبارزه با جرم که صرفاً مبتنی بر ارباب و سرکوب یا حتی اصلاح مرتکب هستند، یعنی شیوه‌های «مرتکب-محور» دارای محدودیت زیادی می‌باشند. به عبارت دیگر، راهبردهای «مرتکب-مدار» در طول تاریخ خود از موفقیت کمی برخوردار بوده‌اند و همیشه و همه جا کارایی لازم را ندارند.

۲- اشکال مختلفی از یک پلیس اجتماعی غیرمتمرکز و پاسخ‌گو در سطح محلی (البته با مدیریت و سیاست‌گذاری واحد) حول یک محور مبتنی بر اقدامات پیش‌گیرانه و قابل عرضه به مردم به جای یک پلیس متمرکز که به بیشتر شدن سیاست‌های تند و عمل‌زده دولتی منجر نگردد رو به توسعه نهاده است.

۳- تأکید بیش از پیش بر نقش بزه‌دیده در شناخت پیامدهای جرم، کشف و مهم‌تر از آن در کنترل جرم در سطوح مختلف در کنار اجرای طرح‌های پژوهش از بزه‌دیدگان برای کسب اطلاعات ذی‌قیمت موجود نزد آنان و گسترش برنامه‌های پیش‌گیری از جرم «بزه‌دیده-محور» روز به روز در حال گسترش است.

6. Radzinowicz, L. & King, J., op. cit.

- Muncie, J. & Sparks, R., op. cit.

همچنین ر.ک.

- صفاری، علی، «مبانی نظری پیش‌گیری وضعی از جرم»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۴-۳۳، ۱۳۸۰، صص. ۲۶۸-۳۲۱.

۷. برای آگاهی از نحوه تأثیر بزه‌دیده بر تکوین جرم و اطلاعات بیشتر در مورد بزه‌دیده، ر.ک.

- ویلیامز، اس. ک.، «روش زندگی و تأثیرگذاری بزه‌دیده بر وقوع جرم»، ترجمه علی صفاری، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۱، ۱۳۸۴، صص. ۴۰۳-۴۳۱.

زایش تحولات مبتنی بر محورهای بالا بر شیوه مفهوم سازی از جرم یعنی مبانی و شیوه های جرم انگاری و در نتیجه بر سیاست های کنترل جرم و پیش گیری از آن تأثیر به سزایی داشته و باعث شده تا در کشورهای غربی رفع و یا سامان دهی بی نظمی های اجتماعی (که برخی عنوان مجرمانه دارند و برخی نیز به جرم منجر می گردند) و مآلاً ماهیت و شکل یا نوع پایش اجتماعی یعنی شیوه استقرار پلیس در جامعه و روبه رو شدن آن با مردم و رفتارهای مجرمانه آنان به کلی متحول گردد.

برای این که تأثیر محورهای بالا را دریافت کرد و تحولات مزبور را بهتر فهمید، این جستار به بررسی کوتاهی درباره هر یک از محورهای پیش گفته می پردازد و نقش آن ها را در اهمیت یافتن پیش گیری از جرم به ویژه پیش گیری از نوع وضعی و به بیان دقیق تر معروف تر شدن این نوع از پیش گیری در مقایسه با مقابله سرکوب گر با جرم مورد بررسی قرار می دهد.

لازم به یاد آوری است که می توان تأثیر این گونه تحولات را در کشور ایران نیز ردیابی کرد و به شکل گیری ادبیات مربوط به پیش گیری از جرم در سطح دانشگاهی و دولتی در دهه هشتاد خورشیدی^۸ و حتی تهیه لایحه ای در این زمینه موسوم به «لایحه پیش گیری از وقوع جرم» در اجرای بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و سپس به تشکیل معاونت پیش گیری از جرم در سال ۱۳۸۴ در نیروی انتظامی کشور اشاره نمود. برگزاری اولین همایش پیش گیری از جرم توسط معاونت پیش گیری نیروی انتظامی در تاریخ ۱۱-۱۰ اسفند ماه ۱۳۸۷ و توسط قوه قضاییه در اسفند ۱۳۸۸ را نیز می توان آغازی برای تغییرات اشاره شده در پلیس و قوه قضاییه ایران و نگاه آنها به مشکل جرم و پیش گیری از آن در جامعه دانست. این همایش ها و اقدامات دیگر پلیس پیش گیری و قوه قضاییه ایران نشان می دهد که دیدگاه پلیس و قوه قضاییه نیز در اثر واقع نگری به مسأله جرم و ارتکاب آن و نیز همکاری و هماهنگی نزدیک با مراکز علمی و دانشگاهی در حال تغییر است و شروعی هر چند دیر برای تحولات بیشتر در پلیس از سرکوب گری و مقابله صرف به شناخت و تدوین سیاست های کلان پیش گیری از جرم محسوب می شود. شاهد مثال این که در اخبار سراسری تلویزیون شنبه شب ۱۳۸۸/۲/۵ همه از طریق شبکه اول شنیدند که وزیر محترم کشور اعلام نمود قرار است برخوردهای جدید پلیسی با مقوله جدید و معروف به مفاسد اجتماعی در سطح جامعه سامان دهی شده و با مسایل فرهنگی بیشتر به شیوه های فرهنگی برخورد و فعالیت های پلیس بر کشف و مبارزه با جرایم سازمان یافته متمرکز گردد. هر چند علی رغم این امیدوارسازی ها، تشکیل گشت معروف به «نسبت» و اقدامات پلیسی و غیر فرهنگی در برخورد با مساله حجاب و موضع گیری قوه قضاییه در ماه های اولیه سال ۱۳۸۹ خبر از دوگانگی قول و فعل مسوولین مربوط می دهد و دلیل خاصی هم نمی توان برای آن یافت.

- ویلیامز، اس. ک.، «تأملی بر بزه دیدگی و انواع آن»، ترجمه علی صفاری، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۸، ۱۳۸۲، صص. ۲۵۹-۳۰۲.

۸. برای آگاهی بیشتر از ادبیات موجود و به ویژه شروع مباحث علمی در مورد پیش گیری، ر. ک. - صفاری، «مبانی نظری...»، همان.

۹. کلیات «لایحه پیش گیری از وقوع جرم» در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۴ به تصویب رسیده است و بنابه اطلاع شخصی از یکی از مشاورین محترم وزیر دادگستری در حال حاضر مجدداً در کمیسیون مطرح و به تصویب رسیده و قرار است به زودی وارد صحن مجلس گردد. برای آگاهی بیشتر از مباحثی پیرامون این لایحه توسط صاحب نظران و نیز از پلیس پیش گیری و تحولات رخدادی در موضع گیری پلیس ر. ک.

- مجله مطالعات پیش گیری از جرم، شماره های یک تا چهار، سال ۱۳۸۵-۸۶.

الف - ناموفق بودن راهبردهای «مرتکب - مدار» مبارزه با جرم

پس از شکل‌گیری نظام عدالت جنایی نوین در عصر روشن‌گری و درست پس از انتشار «رساله جرایم و مجازات‌ها» توسط سزار بکاریا^{۱۰} در اواخر سده هیجدهم یعنی زمان اوج‌گیری افکار اصلاح‌طلبانه در نظام عدالت کیفری تا اواسط قرن گذشته، بیش از یک و نیم قرن نظریه‌پردازان نظام عدالت کیفری در غرب فقط به مطالعه چگونگی و ترکیب نظام عدالت کیفری نوین و درخور جامعه متمدن بشری با محوریت بزهکار می‌پرداختند و توجهی به بزه‌دیده نداشتند. هدف اصلی از چنین نوآوری‌هایی در ادبیات به کار رفته توسط سزار بکاریا و دنباله‌روان وی یافتن راه‌حلی بوده تا بتوان با آن به یک نظام عدالت کیفری عادلانه‌تر، منطقی‌تر و مؤثرتری در برخورد با ناقضین قوانین دست یافته و با ایجاد ترس و وحشت در دل مردم (بزهکاران بالقوه) و با اجرای سریع کیفر در مورد آنان از ارتکاب جرم جلوگیری کرد. مصلحین نظام کیفری در جهت رسیدن به این هدف و با تکیه بر زرادخانه کیفری و اتخاذ راهبرد اساسی پیش‌گیری کیفری و سرکوب بزهکاران به ترسیم نظام کیفری مطلوب خویش همت گماشته و تلاش‌های زیادی را در راه تبیین «حقوق قانونی بزهکار» و «اصول حاکم بر دادرسی» و «محاكمه عادلانه» وی به عمل آوردند تا از این طریق مثل یک شمشیر دو لبه از بزهکار بازچیزه نظام‌های ددمنش سابق و کسی که موجودی شیطانی تلقی می‌شد حمایت نموده و این ظلم‌ها را رفع نمایند و هم با تعیین و اجرای مجازات‌های حتمی و ثابت مزه شیرین ارتکاب جرم را بر مرتکبین تلخ نموده و به گفته بکاریا مجازات بتواند در اذهان خام و معمولی مرتکبین خاطره‌ای را رسم نماید تا سود و خوشی مورد انتظار آنان از ارتکاب جرم را در زمان ارتکاب از بین ببرد.^{۱۱} به عنوان مثال قوانین موجود در مجموعه‌های کیفری، به‌ویژه قوانین آیین دادرسی، پر از توجه به بزهکار، تأمین و تضمین حقوق دفاعی و آزادی‌های وی بوده و هست.

جرم‌شناسی نیز چه در قالب و شکل سنتی یا کلاسیک آن و چه در نظریه‌پردازی‌های جدیدتر با فراموشی بزه‌دیده از راهبرد «مرتکب - مدار» که در حقوق جزا بوده پیروی نموده یا به گونه‌ای خوش‌بینانه‌تر باید گفت آن‌را تکمیل نموده تا عوامل گرایش به جرم را در بین بزهکاران شناسایی و ریشه‌کن نماید. جرم‌شناسی سنتی سعی نموده تا با تبیین و علت‌یابی پدیده مجرمانه در قالبی یک سویه و با محور قرار دادن مرتکب به عنوان تنها کنش‌گر پدیده مجرمانه ابزارهای لازم برای پیش‌گیری از گرایش به جرم توسط بزهکار را معرفی نماید و جامعه را متقاعد سازد که تعدیل و تخفیف کیفرها، آزادی پیش از موعد زندانی یا زندانی نکردن برخی بزهکاران با ملاک‌های علمی و تجربی نه تنها باعث افزایش جرم نمی‌شود بلکه به نفع جامعه بوده و از بزهکار شدن یا تکرار بزهکاری بسیاری افراد جلوگیری می‌نماید. جرم‌شناسان به عنوان نوآوران پهنه علوم اجتماعی و رفتاری با بررسی مستقیم بزهکار و شناخت یا به عبارت دقیق‌تر طبقه‌بندی گونه‌های مختلف آن‌ها در کنار تبیین عوامل گرایش به بزهکاری به منظور خشکاندن ریشه‌های چنین گرایشی، صرفاً بزهکار را مرکز اصلی مطالعات و منبع کسب اطلاعات و آزمایش و خطای نظریات ابرازی قرار دادند.

جرم‌شناسی کلاسیک از نوع لمبروزویی آن در این راه نه تنها از سلاح مجازات با نام «اقدامات تأمینی» به گونه‌ای متفاوت از حقوقدانان کیفری بهره جسته بلکه از دارو و «درمان پزشکی» و روان‌پزشکی و بعداً اصلاحات گسترده اجتماعی نیز استمداد جسته تا به اهداف خود یعنی کنترل بزهکار برسد.^{۱۲}

۱۰. بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، چاپ پنجم، نشر میزان، زمستان ۱۳۸۵.

۱۱. همان، ص. ۶۷ و ۸۵.

۱۲. برای شناخت بیشتر از مکتب جرم‌شناسی تحقیقی (تحصیلی) ایتالیایی به پیشگامی سزار لمبروزو، گارو فالو و آنریکو فری و مفهوم اقدامات تأمینی رک.

- نوربها، رضا، زمینه جرم‌شناسی، چاپ سوم (ویرایش جدید)، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۶، صص. ۵۲-۵۰.

- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ بیستم، نشر میزان، ۱۳۸۸، صص. ۱۴۲-۱۳۵.

رسیدن به هدف کنترل بزهکاری از طریق مطالعه و کنترل یا اصلاح بزهکار را می‌توان در دیدگاه بزهکار-مداری حاکم بر جرم‌شناسی از اوآن تولد تا دهه‌های شصت و هفتاد قرن بیستم میلادی که شاهد روگردانی از بزهکار-مداری صرف و روی‌آوری به سایر نقش‌آفرینان صحنه جرم به‌ویژه بزه‌دیده است شناسایی کرد. جرم‌شناسی «نیمه علمی» به مطالعه مرتکبین جرم از جهت ویژگی‌های ظاهری بدن به‌ویژه چهره مرتکب، شکل و اندازه پاها، دست‌ها و چشمان و برخی دیگر از اعضای بدن و امثال این‌ها به عنوان نشان‌گرهای گرایش مجرمانه پرداخت. جرم‌شناسی علمی^{۱۳} نیز در آغاز به بررسی و شناخت عوامل داخلی یا فردی (فیزیولوژیک و روانی) از جمله اختلالات یا شکل مغز و جمجمه، ناهنجاری‌های کروموزومی و بیماری‌های روانی و روان‌تنی به عنوان عامل مؤثر بر گرایش افراد به ارتکاب جرم پرداخت. سپس با شکل‌گیری مکتب شیکاگو، جرم‌شناسی با کنارگذاشتن این عوامل و ناچیز شمردن نقش آن‌ها در مقایسه با عوامل بیرونی، به پژوهش و نظریه‌پردازی پیرامون عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و در یک کلام عوامل خارج از بدن بزهکار^{۱۴} روی آورد تا زمینه بروز و وقوع جرم را با اصلاحات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به کلی از بین ببرد.

با ژرف‌نگری در اکثر نظریات زاده شده در طول دوران تطور جرم‌شناسی که مبتنی بر عوامل یاد شده و پژوهش‌های انجام گرفته بر اساس آن‌هاست، آشکار می‌گردد که بیشتر نظریه‌های جرم‌شناختی نیز مانند اصلاحات انجام گرفته یا پیشنهادی توسط مصلحین حقوق جزا در دوره قبل از آن بر مطالعه بزهکار و عوامل گرایش وی به جرم متمرکز شده‌اند. محور این نظریه‌ها اغلب بررسی خصوصیات یا شخصیت مجرمانه افراد چه از نظر جسمی (زیستی) یا روانی و یا اجتماعی، اعم از اکتسابی و غیر آن، مثل یادگیری، هم‌نشینی، مهاجرت، جنگ و نابسامانی‌های اجتماعی و محیطی، اقتصادی، فرهنگی و غیر این‌ها و تأثیر هر یک بر فرآیند بزهکار شدن فرد بزهکار می‌باشد.

هرچند هر یک از این زوایای باز شده در پیش‌روی علوم و جوامع، برگ زرینی بر تارک حقوق جزا و جرم‌شناسی است اما نکته قابل توجه این که در بین آن‌ها بزهکار محور همه نظریه‌پردازی‌ها و سیاست‌گذاری‌هاست. در نتیجه از بزه-دیده واقعی یا ظاهری و ملموس جرم - دست کم در جرایمی که دارای بزه‌دیده ظاهری یا واقعی هستند - به عنوان یک کنش گر و نقش‌آفرین یا عنصری منفعل، بی‌گناه و نیازمند توجه و کمک همانند بزهکار یا منبعی برای به‌دست آوردن اطلاعاتی درباره جرم نامی برده نشده و یا به‌قدری نادر است که تفاوتی با ذکر نکردن ندارد. فراموشی بزه‌دیده تا جایی

- نجفی توانا، علی، جرم‌شناسی (با تجدیدنظر و اضافات)، چاپ سوم، انتشارات آموزش و سنجش، ۱۳۸۴، صص. ۶۷-۷۴.

- ویلیامز، فرانک، پی، و مک شین، ماری لین، دی، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمید رضا ملک محمدی، نشر میزان، ۱۳۸۳، صص. ۶۷-۴۷.

۱۳. در مورد دوره‌های تحول جرم‌شناسی، رک.

- نوربها، زمینه جرم‌شناسی، همان، صص. ۵۳-۳۹.

- ویلیامز، و مک شین، همان، صص. ۶۸-۳۱.

- وُلد، جرج و دیگران، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، سمت، ۱۳۸۰، فصل دوم و سوم، صص. ۶۲-۳۱.

۱۴. در مورد تقسیم‌بندی عوامل داخلی و خارجی ارتکاب جرم، رک.

- نوربها، همان، صص. ۱۷۳-۷۶ (بخش اول).

- نجفی توانا، همان، صص. ۲۳۶-۱۴۷ (فصل سوم).

- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، چاپ بیست و یکم، نشر میزان، ۱۳۸۸، صص. ۳۰-۲۹.

۱۵. برای مطالعه در مورد مکتب شیکاگو و سایر تئوری‌های جرم‌شناسی تا زمان معاصر، رک.

- ویلیامز، و مک شین، همان، صص. ۶۹ به بعد.

- نجفی توانا، همان، صص. ۸۳-۷۵ (بخش سوم).

- وُلد، و دیگران، همان، صص. ۱۵۴ به بعد (فصل هشتم تا نوزدهم).

است که یکی از صاحب نظران غربی به درستی به بزه‌دیده نام سیندرلای نظام عدالت جنایی - یعنی یتیمی بی سرپرست که نیاز به حمایت دارد - را داده است.^{۱۶}

همان‌طور که بحث شد، این ادعا - دست کم در برخی نظام‌های غربی - بر وقایع تاریخی، اجتماعی، جرم‌شناختی و قانونی استوار است؛ زیرا بزه‌دیده دست کم به اندازه بزه‌کار و به عنوان یک طرف ترازوی عدالت جنایی - که نشانه اغلب نظام‌های عدالت جنایی در غرب و شرق عالم است و بر خلاف واقعیت تاریخی همیشه در حالت توازن قرار دارد - مورد توجه قرار نگرفته و در نتیجه به نظر می‌رسد که تعبیر برخی نویسندگان غربی از «نادیده انگاشتن و غفلت فاحش»^{۱۷} بزه - دیده توسط نظام عدالت جنایی بی‌جا نباشد.^{۱۸}

با عنایت به مباحث گذشته به نظر می‌رسد که بر اساس نظریه‌های ظهور یافته در دوران گذشته تحولات حقوق جزا و به‌ویژه جرم‌شناسی، جرم معضلی تعریف و تلقی شده که صرفاً ناشی از تصمیم و رفتار مرتکب و به‌طور انحصاری مربوط به فرد خطاکار یا منحرف تلقی می‌شود و با وجود تبیین نظریات جرم‌شناختی که جامعه یا ساختار اجتماعی و امثال این‌ها را عامل ناهنجاری و از جمله جرم معرفی کرده‌اند ولی در هر حال فرد مرتکب است که محور همه این ناهنجاری‌ها قرار می‌گیرد. در چنین فرمولی از جرم، عمل مجرمانه مترادف تفکر و عملکرد فردی مرتکبین جرم است و ضعف کارکرد اصول و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سایر عوامل جرم‌زا همگی مقهور تصمیم مرتکب و منش مجرمانه وی هستند و نقش این عوامل نسبی و دست دوم است. بنابراین سیاست جنایی و نیز نوع کیفرها و یا واکنش‌ها و به‌طور کلی سیاست انتخابی و اعمال شده در جهت حل این معضل نیز مآلاً فرد بزه‌کار را هدف قرار داده و مستلزم کیفر یا درمان فرد خطاکار یا منحرف بوده تا از این طریق اشتباهات خود را بشناسد و مشکل جرم در نهایت حل شود. به عبارت دیگر، کنترل جرم مبتنی بر اصلاح کنش‌گر اصلی یعنی فردی است که تحت تأثیر این شرایط به سوی ارتکاب جرم سوق یافته است. اما در حال حاضر، این تفکر از کنترل جرم اعتبار و برجستگی خود را از دست داده که دلایل آن‌ها را می‌توان در موارد ذیل کاملاً مشاهده کرد:

16. Meiners, Victim Compensation: Economic, Legal and Political Aspects, Lexington Books/ D.G., Health and Company, 1978, P. 7.

17. Gross Negligence.

- در مورد فراموشی بزه‌دیده، عوامل و پیامدهای آن و اطلاعات بیشتر از ادبیات غربی در این مورد و ابعاد مختلف توجه به بزه‌دیده، رک.

- Mawby, I. R. and Gill. M., Crime Victims: Needs, Services the Voluntary Sectors, London, Tavistok Publications, 1987.

- Miers, D., "Compensation and Suport for Victims of Crime", British Journal of Criminology, No. 27 (2), 1987, 832-9.

- Maguire, M. & Pointing, J., Victims of Crime: A New Deal?, Philadelphia, Open University Press, 1988.

- Fattah, A. E., The Plight of Victims in Modern Society, London, Macmillan, 1989.

- Walklate, S: Victimology: the Victim and the Criminal Justice Process, London, Unwin, Hyman Ltd, 1989

- Elias, R: Victims Still: the Political Manipulation of Crime Victims, London, Sage, 1993

- ویلیامز، اس. ک.، «حمایت از بزه‌دیده و نهادهای مردمی»، ترجمه علی صفاری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۰، ۱۳۸۴، صص. ۲۸۹-۳۲۴.

۱۸. شاید ضرورت دارد تا در همین جا یادآوری گردد که این تحلیل‌ها و نظریات مبتنی بر آن‌ها در مورد فراموشی بزه‌دیده در نظام عدالت کیفری بیشتر بر مبنای واقعیت‌های تاریخی کشورهای غربی استوار است و همان‌طور که گاهی در متن نیز اشاره می‌گردد، نظام کیفری اسلامی و به تبع آن نظام ایران تفاوت‌های چشم‌گیری با آن دارد ولی در عین حال ضعف‌های نظام عدالت کیفری ایران در تأمین و تضمین حقوق بزه‌دیده کم نیستند که جای بحث آن‌ها این‌جا نیست. در اکثر نظام‌های کیفری غربی و کم‌تر از آن‌ها در امریکا، پس از تولد حقوق جزای مدرن، پلیس و دادسرا (یا هر مقام مشابه دیگر) به‌عنوان مسئول کشف، اعلام و تعقیب جرایم به‌طور مطلق جایگزین بزه‌دیده شدند و بزه‌دید نقش قبلی خود را تا حد زیادی از دست داد.

۱- اختلاف نظر و نظریات متفاوتی درباره عوامل ارتکاب جرم توسط بزهکار وجود دارد که نه تنها امکان رفع این عوامل در اغلب موارد به گونه‌ای که باعث پیش‌گیری ملموس از جرم شود وجود ندارد بلکه آثار نسبی آن نیز دیر هنگام به‌دست می‌آید. همین امر باعث کاهش اطمینان از موفقیت تئوری‌های پیش‌گیری اجتماعی (غیرکیفری) ولی بزهکار-محور از جرم می‌شود.

برای مثال در مورد عوامل فرهنگی، اقتصادی، محرومیت اجتماعی، غیراجتماعی بودن مرتکب و... که در جرم‌شناسی رایج و سنتی جزو عوامل جرم‌زا معرفی شده‌اند بحث‌های زیادی مطرح بوده ولی ادله محکمی وجود ندارد تا به‌طور عینی نشان دهد مثلاً فقرزدایی تا چه میزان بر پیش‌گیری از جرم تأثیر داشته، هرچند تأثیر کلی فقرزدایی بر کاهش ارتکاب جرم همیشه مورد تأکید همگان است. همین امر نیز باعث شده تا راه کارهای عملی کردن چنین پیشنهادهایی که توسط نظریه‌های مختلف جرم‌شناختی در مبارزه با عوام جرم‌زا پیشنهاد شده به‌طور جدی توسط دولت‌مردان پیگیری و عملی نگردد و در نتیجه یأس رو به رشدی در مورد صحت و صدق نظریات مطرح شده و راه کارهای پیشنهادی آن‌ها بر تبیین و حل معضل رفتار مجرمانه به وجود آمده و آسیب‌شناسی و در نتیجه کنترل جرم با بحران روبه‌رو گردد.

۲- مشکل مرتبط با مشکل اول مسأله مداخله یا کنترل و توسعه واکنش‌های مناسب با جرم است. یکی از مشکلات چنین دیدگاهی یعنی دیدگاه مداخله‌گر (اعم از کیفری یا اصلاحی) این است که باید به مداخله یا پیش‌گیری زودرس^{۱۹} در مورد خیلی از افراد که حتی هنوز مرتکب جرم نشده‌اند، دست زد. این امر نه تنها افراد بسیاری را در بر می‌گیرد بلکه به نوبه خود مستلزم انجام آزمون‌ها و آزمایش‌های متعدد با در نظر گرفتن متغیرها یا نشان‌گرهای مناسب در مورد نوع، نحوه و میزان بزهکاری افراد یعنی گرایش آن‌ها به بزهکاری در آینده است تا بتواند مؤثر واقع شود. اما معیارهای به کار رفته و معرفی شده در تحقیقات صرف نظر از مشکلات حقوق بشری که ایجاد می‌کنند معمولاً نتایج قابل اطمینانی به بار نیاورده و چه بسیار افرادی که آینده‌ای مجرمانه برایشان فرض می‌شود ولی جرمی مرتکب نمی‌شوند و چه بسا افرادی که فاقد گرایش مجرمانه تشخیص داده می‌شوند اما به زودی مرتکب جرم می‌گردند. این همان مفهوم «منفی‌های اشتباهی»^{۲۰} و «مثبت‌های اشتباهی»^{۲۱} مطرح در بحث پیش‌گیری و عدالت بیمه‌ای یا سنجشی است که با در نظر گرفتن برخی نشان‌ها مثل فرار از مدرسه، سابقه تکرار جرم، اعتیاد، ولگردی و مواردی از این قبیل فردی را در ارتکاب جرم مثبت و خطرناک ارزیابی کرده و وی را مشمول اقدامات و برنامه‌های پیش‌گیرانه قرار می‌دهند، ولی در واقع چنین نبوده و آینده خلاف آن را نشان می‌دهد.

۱۹. درمورد پیش‌گیری یا مداخله زودرس ر.ک.

- کاری یو، روبر، «مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس در پیش‌گیری از رفتارهای مجرمانه»، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۵-۳۶، ۱۳۸۱، صص. ۲۶۷-۳۰۶.

20 . False- Negatives.

21 . False- Positives .

۲۲. برای آگاهی از دو مفهوم بالا و به‌طور کلی جرم‌شناسی و کیفرشناسی یا عدالت سنجشی یا بیمه‌ای ر.ک.

- Duff, R. A. & Garland, D., "Introduction: Thinking about Punishment", in Duff & Garland (eds.), A Reader on Punishment, Oxford University Press, 1994, pp. 1-43.

- Feeley, Malcolm & Simon, Jonathan, The New Penology: Notes on the Emerging Strategy of Corrections and its Implications, Criminology, Vol. 30, No. 4 1992, pp. (449-474), 1992.

- Feeley, M. & Simon, J., Actuarial Justice: The Emerging New Criminal Law, in David Nelken (ed), the Futures of Criminology, Sage Publications, London, 1994, pp. 173- 201.

- ماری فیلیپ، «کیفر و مدیریت خطرها: به سوی عدالتی محاسبه‌گر در اروپا»، ترجمه حسن کاشفی اسماعیل زاده، مجله حقوقی دادگستری شماره ۴۸۴۹، ۱۳۸۲، صص. ۶۴-۳۳۱.

هم چنین دیدگاه مبتنی بر مداخله زودرس، خطر زیادی در بدنام کردن یا همان برچسب زنی^{۲۳} دارد و بسیاری افراد در نتیجه آن حاشیه نشین یا حاشیه گزین می شوند. همین امر به نوبه خود باعث درگیر شدن افراد با جامعه و قرار گرفتن آنان در موقعیت های مجرمانه بیشتر یا ایجاد شرایط جرمزا در برخی افراد می شود. علاوه بر همه این ها، وقتی بزهکاری دستگیر و محکوم گردید معمولاً شیوه زندگی یا شخصیت بزهکارانه وی قبلاً شکل گرفته و تغییر آن بسیار مشکل یا غیرممکن است. شدت مجازات یا پیچیدگی و عمق شیوه های درمانی همان گونه که مطالعات نشان داده - منظور مطالعات در مورد میزان تکرار جرم و بازگشت به زندان است - نتایج بسیار کمی را آن هم خیلی دیر به بار می آورند. مثلاً ریزش ساختمانی در سعادت آباد در تهران- در تابستان سال ۱۳۸۷- یکی از همین موارد است که بازداشت و تنبیه خطاکاران آن صحنه دلخراش اگر به نتیجه هم برسد بسیار دیر شده است.

۳- تعداد کسانی که به عنوان بزهکار وارد نظام عدالت کیفری می شوند و موضوع مداخلات رسمی اعم از کیفری یا اصلاحی قرار می گیرند، با در نظر گرفتن رقم سیاه جرایم و عوامل دیگری که باعث عدم کشف جرم یا عدم شناسایی مرتکب یا عدم محکومیت وی به دلایل مختلف می گردند، به میزانی نیست که اقدامات اصلاحی بتواند- به فرض اعمال صحیح- محصول چشم گیری را نصیب جامعه نماید. در بسیاری موارد هزینه های مادی و انسانی چنین اقداماتی بسیار بیش از دستاوردهای آن است.

بنا به همین دلایل، مدت مدیدی است که شیوه های پیش گیری بزهکار محور در نظریات جرم شناختی نیز رو به افول نهاده و در نتیجه برخی از محققین نقطه اصلی و مرکز ثقل پژوهش های خویش را از بررسی افعال بزهکاران به سوی واکنش های نظام عدالت جنایی کشانده اند تا با ایجاد تحول در آن ها، هم نظام عدالت کیفری کارآمدتر گردد و هم نتایج بهتر و قابل پیش بینی تری به دست آید. موضوع قسمت بعد محور دوم تحولات پیش گیری است که ضمن آن به شکل گیری پلیس مردمی و تغییر سیاست های آن در جهت طرح و برنامه ریزی نوعی مبارزه کنشی با بزهکاری اشاره می- شود که دارای نتیجه بهتری بوده و از شیوه های صرف بزهکار- مدار با تکیه زیاد به پلیس غیرمردمی و سرکوب گر به دور است.

ب- شکل گیری پلیس محلی - مردمی: گامی مؤثر در پیش گیری به جای برخورد

یکی دیگر از اصلی ترین محورهای تغییر در نظام کنترل جرم در دهه های اخیر که کاملاً با محور اول نیز در ارتباط است و شاید بتوان گفت که از آن سرچشمه می گیرد تحول در نحوه پایش اجتماعی یعنی چگونگی سازمان دهی نیروهای پلیس در برابر وقوع جرم در جامعه و شیوه ارتباط پلیس با جامعه و سطح عملکرد آن و نیز نحوه همکاری مردم

- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی»، فصلنامه پژوهشی علوم انسانی: الهیات و حقوق، ویژه حقوق شماره های ۹-۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، صص. ۳۵-۳.

- صفاری، علی، کیفرشناسی، تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی (با اصلاحات و اضافات جدید)، چاپ هفتم، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸، صص. ۱۰۷.

- جلالی ورنا مخواستی، مصطفی، عدالت آماری: سیاست کیفری مبتنی بر برآورد عینی خطر در فرآیند کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۵.

- پاکنهاد، امیر، سنجش و مدیریت ریسک جرم، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.

23 . Labelling Theory.

- برای فهم این اصطلاح و عناوین مشابه و نیز آثار برچسب زنی، رک.
- سلیمی، علی، و داوری، محمد، جامعه شناسی کیج روی، زیر نظر غلامرضا صدیق اورعی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰، صص. ۲۸ به بعد.

- ویلیامز، و مک شین، همان، صص. ۱۷۲-۱۴۷.

با آن می‌باشد. همان‌طور که در مقدمه بحث اشاره‌ای شد، طرح پلیس پیش‌گیری و نیز فعالیت‌های اخیر پلیس ایران در اجرای طرح‌های مختلفی مثل امنیت اجتماعی و نیز کنترل تخلفات رانندگی به‌ویژه در ایام تعطیلات عمومی چه از طریق نصب دوربین و به‌ویژه با به‌کارگیری نیروی گسترده پلیس یا نیروی کمکی مردمی و نیز استفاده از چنین افرادی در عزاداری‌های دهه عاشورای حسینی و نظم‌دهی به فعالیت‌های هیأت‌های عزاداری و رفت و آمد خودروها به‌منظور جلوگیری از اختلال جدی در زندگی عادی شهروندان دست‌کم در ظاهر نمونه‌هایی از چنین تحولاتی در دیدگاه ظاهری پلیس به نحوه اداره جامعه و کنترل بی‌نظمی‌ها و به عبارت بهتر پیش‌گیری از آن‌هاست. به عبارت دیگر، برای کاراتر شدن پلیس که از بین سایر نهادهای عدالت جنایی کنترل بزهکاری نقش گسترده‌تر، ظاهرتر و در خیلی موارد مؤثرتری دارد و شاید توقع عمومی نیز در هر مورد بی‌نظمی اینست که پلیس بهتر و با تدبیر و با اقتدار بیشتری عمل نماید باعث تحولاتی در سازمان‌دهی پلیس سنتی شده و ایجاد پلیس مردمی یا مردم محور و پلیس خدمت - محور به‌جای پلیس برخورد - محور که در برابر مردم قرار می‌گیرد و هم‌چنین ایجاد پلیس محله - که ضرورتاً واجد مفهوم همکاری و هماهنگی با مسوولان و مقامات محلی است - از جلوه‌های همین تحولات می‌باشد. در نتیجه در کشورهای اروپایی و حتی امریکا - که هنوز دارای پلیس مقتدر و حکومت محور و سرکوب‌گر است - سازمان‌دهی پلیس و کارکرد آن از تلقی پلیس به‌عنوان یک عامل فشار یا کنترل سرکوب‌گر که بالای سر مردم و در برابر آن‌هاست به یک پلیس خدمت‌گذار و خدمت‌رسان تغییر شکل یافته است.

دلایل چنین تغییراتی از یک پلیس نظامی به یک پلیس مردمی یا محله را می‌توان چنین تبیین کرد: دلیل اصلی برای تغییرات فوق، فقط این نیست که چون پلیس نظامی و سخت‌گیر بی‌تأثیر یا کم‌تأثیر است پس سازمان‌دهی آن تغییر کرده، بلکه علت اصلی این است که چنین شیوه‌ای دسته‌ها و طیف‌های خاص و نسبتاً گسترده‌ای از مردم جامعه را از خود می‌راند که پلیس در موفق بودن به همکاری آنان نیاز دارد؛ برای مثال برخورد بد و سرکوب‌گر پلیس می‌تواند افشار متوسط، تحصیل کرده و فهمیده اجتماع را برنجانند و باعث شود تا نه تنها همکاری لازم را در کنترل ناهنجاری‌ها با پلیس نداشته باشند بلکه در مقابل آن نیز قرار گیرند. زیرا، آن را یک پلیس قابل اعتماد و مردمی نمی‌دانند. بدیهی است که اگر همکاری مردم نباشد پلیس موفق نمی‌شود. حتی بیشتر جرایم و در مواردی بیش از سه چهارم جرایم توسط مردم گزارش می‌شوند تا این که توسط پلیس کشف گردد. به‌عنوان نمونه می‌توان موارد زیادی از کشف یا اعلام انواع جرایم به پلیس یا گزارش ساده‌ای که منجر به کشف یک شبکه بزهکاری می‌شود را در صفحات روزنامه‌ها به‌ویژه صفحه حوادث آن‌ها دید؛ ماجرای کشف شکار هفت زن در روزنامه همشهری مورخ ۱۳۸۷/۴/۱۰ از این قبیل است. علاوه بر دور شدن برخی از دسته‌های مردمی از پلیس به‌خاطر برخوردهای غلط آن، می‌توان به این واقعیت که حتی برخی ممکن است به این دلیل با پلیس دشمن شوند نیز اشاره کرد. در امریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه - اتفاقات اخیر بین جوانان و پلیس فرانسه و نیز ترک‌های مقیم آلمان با پلیس آلمان در سال ۲۰۰۸ میلادی برابر با ۱۳۸۷ خورشیدی و پیامدهای بسیار دهشتبار آن‌ها که باعث از دست رفتن قسمت زیادی از اعتبار مقامات بلندپایه سیاسی در نگاه مردمی شده قابل ذکر است - برخورد نظامی پلیس و ورود پلیس نظامی به خیابان‌ها و سرکوب مردم معترض باعث شورش‌ها و درگیری‌های وسیعی با پلیس شده است. حتی با شروع مشکلات اقتصادی اخیر در دنیا در اواخر سال ۲۰۰۸ و شروع سال ۲۰۰۹ میلادی برخی مسایل از همین قبیل را به‌دنبال داشته است.

پلیس موفق احتیاج به سیل اطلاعات از سوی مردم و همکاری آنان دارد ولی در صورت عدم همکاری مردم، موفقیت پلیس به کشفیات کمی منحصر می‌شود که خود قادر به انجام آن است که آن هم به صورت گزینشی و بسیار محدود انجام شده و باعث جدایی بیشتر پلیس از مردم می‌گردد. لذا برای این که پلیسی موفق باشد به برقراری ارتباط

۲۴. این تحولات شروع امیدوارکننده‌ای برای تغییر برخورد و عملکرد پلیس با مسایل اجتماعی است اما به دلیل بافت و ساختار سنتی پلیس در ایران و نبود یک راهبرد اساسی معمولاً در عمل میوه‌های کمتری بدست می‌آید و اقدامات پلیس در یک سال اخیر بیش از آنکه جنبه پیشگیری داشته باشد به برخورد و واکنش شدید منجر شده است.

25. McLaughlin, Eugene , "Key Issues in Police Work", in McLaughlin, E. & Muncie, J., Controlling Crime, 2nd edn, Sage Publications, 2001, pp. 53-100.

مستمر، حسنه و تعریف شده با مردم نیاز دارد تا باعث شود مردم با رغبت و اعتماد کامل به آن گزارش دهند و اعتماد و اعتقاد راسخ داشته باشند که پلیس گزارش‌های آن‌ها را جدی می‌گیرد. در نتیجه به‌نظر می‌رسد که پلیس خوب و کارآمد بستگی به میزان قدرت نظامی‌اش ندارد بلکه ماهیت و میزان اطلاعاتی که در اختیارش قرار می‌گیرد و شیوه عملکرد پلیس برای کنترل جرم و جامعه تعیین می‌کند که پلیس خوب و موفق است. بدیهی است که چنین امری هزینه‌هایی دارد که باید پرداخته شود:

اول - پلیس باید نشان دهد که فاسد نیست یعنی تقلب نمی‌کند، رشوه نمی‌گیرد، و شکنجه و آزار نمی‌کند؛ زیرا مردم به پلیسی که خود ناقض قانون باشد اعتقاد و اعتمادی ندارند. مثلاً نگره داشتن خودرو و افراد در وسط خیابان به‌منظور جریمه کردن که باعث ایجاد تراکم در ترافیک شده و باعث می‌شود مردم ایمان پیدا کنند که پلیس به‌دنبال حل مشکل ترافیک نیست بلکه از جریمه کردن و افزایش جریمه‌ها هدف اقتصادی دارد، به‌ویژه که طبق قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین در ایران بخشی از جریمه‌هایی که این گونه وصول می‌شود در جهت تشویق و کمک به نیروهای پلیس مورد استفاده قرار می‌گیرد.

دوم - پلیس باید دغدغه‌ها و نگرانی‌های مردم در مورد جرم را جدی بگیرد، یعنی بین مردم و پلیس ارتباط مستمر وجود داشته و پلیس با مردم رایزنی داشته باشد تا حوزه‌های مورد علاقه مردم را شناسایی و در آن‌ها بیشتر سرمایه‌گذاری نماید. همین امر باعث همکاری بیشتر بین مردم و پلیس و گزارش دادن بیشتر به پلیس می‌شود. می‌توان به میزان همکاری‌های مردم با پلیس ۱۱۰ در این مورد اشاره کرد که تبلیغات رسانه‌ها و برقراری رابطه بین پلیس و مردم از طریق رسانه ملی باعث همکاری زیادی شده است. هر چند برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد که واکنش پلیس در مواردی مورد رضایت نبوده ولی روی هم رفته همکاری در سطح زیادی وجود دارد.

سوم - پلیس نباید قدرت و امکانات خود را در راه‌هایی به کار گیرد که از نظر مردم نامناسب است. جاهایی که پلیس به زور متوسل می‌شود باید دارای توجیه منطقی بوده و برای مردم قابل درک باشد. رعایت همین شرایط بوده که در غرب مفاهیمی هم‌چون پلیس همسایه^{۲۷} و پلیس محله/مردمی^{۲۸} و پلیس مورد وفاق و همراه مردم در برابر پلیس نظامی و مقابل مردم^{۲۹} به وجود آمده و در کشور ایران نیز در حال ظهور است.

پلیس با استفاده از شیوه‌های بالا و با مشورت بیشتر و همکاری با مردم و نهادهای دیگر توانسته همکاری و اعتماد بیشتری از سایر ارگان‌ها و مردم را جلب کند و روابط خوبی با آن‌ها داشته باشد و همین امر میزان کارایی پلیس را به‌طور ملموسی بالا برده و بهبود می‌بخشد و هر کجا همکاری کم‌تری بین مردم یا سایر نهادها با پلیس وجود داشته بی-نظمی هم بیشتر است. این امر در پایان سال ۱۳۸۸ در ایران کاملاً در زمینه حل مشکلات مربوط به راهنمایی و رانندگی مثل سد معبر، ورود به طرح ترافیک و ایجاد آلودگی هوا و از این قبیل امور کاملاً قابل مشاهده است که نهادهای دولتی سعی در همکاری با پلیس دارند و پلیس نیز موفقیت بیشتری به‌دست می‌آورد تا این که بخواهد در برابر همه آن‌ها بایستد. هم‌چنین مقایسه ناآرامی‌های دهه هشتاد و نود میلادی انگلیس نشان می‌دهد که در دهه هشتاد به کارگیری نیروی نظامی بیشتر باعث ناآرامی‌های بیشتری شد ولی در دهه نود برعکس بود یعنی در برخی مناطق پلیس حتی دخالت هم

۲۶. برابر قسمت «ب» و «ج» از بند ۴ ماده ۴۵ قانون مذکور معادل پنجاه درصد از جریمه‌های حاصل از جرایم رانندگی در هر یک از شهرها (غیر از تهران) در اختیار وزارت کشور و کل جریمه‌های وصولی در تهران در اختیار شهرداری تهران قرار می‌گیرد تا در موارد تعیین شده از جمله سه درصد آن‌ها جهت تشویق مأموران که تخلفات را تشخیص داده و اقدام به صدور اختاریه نموده‌اند و نیز ایجاد انگیزه در سایر مأموران برای اجرای بهتر قانون مصرف شود.

27. Neighbourhood- Policing.

28. Community Policing.

29. Consensus Policing as Opposed to «Military» , «Saturation» and «Coercieve» Policing.

نکرد و لذا خشونت هم به وجود نیامد؛ همین طور است درگیری های دهه اول قرن بیست و یکم و شروع هزاره سوم در فرانسه و آلمان که وجود و حضور پلیس نظامی بیشتر و خشونت با تظاهرکنندگان باعث گسترش درگیری های صنفی بین مردم و پلیس شد. در برخی موارد حتی صرف حضور پلیس با اسلحه می تواند تحریک آمیز باشد مثل حضور مسلحانه در دانشگاه ها. البته نبود محض پلیس نیز می تواند نتیجه کم و بیش مشابه داشته باشد چون در هر دو مورد باعث رودررویی پلیس با مردم یا عدم همکاری می شود و وقتی پلیس در دسترس نباشد چگونه می خواهد از اطلاعات مردم استفاده نماید؟! ابداع پلیس ۱۱۰ در ایران و گسترش امکانات تماسی با آن برای مردم و حضور به موقع در خیلی از موارد در صحنه گزارش شده می تواند مثال خوبی باشد که در دسترس بودن، بدون حضور تحریک آمیز در جامعه می تواند بیش از حضور مسلحانه مؤثر باشد.

مسئله مهم و اساسی این است که پلیس با هر یک از شیوه های بالا تنها داروی کنترل بی نظمی ها نیست و هیچ بحثی در مورد پلیسی که پاسخ گو، کارآمد و کارا تر باشد وجود ندارد و به هر حال وجود چنین پلیسی است که مقدمه واجب برای جریان اطلاعات درباره جرم به سوی پلیس و جلب مشارکت مردمی و افزایش اعتماد آن ها می باشد. پلیس مردمی هر شکلی که به خود بگیرد برای جلب مشارکت مردمی باید به دغدغه های مردم و به ویژه بزه دیدگان جرم توجه زیادی داشته باشد. این امر مستلزم تغییر جهت در اجرای اوامر مافوق به سوی بالا بردن کیفیت و میزان خدماتی است که پلیس می تواند به بزه دیدگان ارایه کند. بنابراین، قسمتی از تحولات مربوط به محور دوم بحث یعنی به وجود آمدن پلیس مردمی و خدمتگذار با توسعه و تحول دیدگاه ها نسبت به نقش بزه دیده در کشف جرم و کنترل آن از طریق دادن اطلاعات دقیق مربوط به جرم به پلیس و نیز حمایت بیشتر از بزه دیدگان جرم کاملاً در ارتباط است که در قسمت بعد مورد بحث بیشتری قرار می گیرد.

ج - شناخت بزه دیده و نقش او در پیش گیری از جرم

به طوری که در قسمت اول بحث شد، جرم شناسی نیز مانند حقوق جزای جدید و بلکه بیشتر و عمیق تر از آن، بزه دیده را در طول حیات پر جزر و مد خویش تا دهه های پایانی نیمه دوم قرن بیستم فراموش کرده بود. تنها موردی که کمی قبل از این تاریخ به بزه دیده پرداخته شده بحثی مربوط به تأثیرگذاری بزه دیده بر وقوع جرم است که به بزه دیده شناسی کلاسیک یا نخستین معروف شده است. اما سایر جنبه های بزه دیده یعنی استفاده از بزه دیده به عنوان یک منبع غنی اطلاعاتی و قابل اطمینان تر از منابع معمول قبلی (یعنی آمارهای جنایی مبتنی بر بزه کار) تا دهه های هفتاد و هشتاد قرن بیستم نادیده گرفته شده بود. همین طور بزه دیده به عنوان یک طرف از معادله جرم همانند مرتکب، اگر نه بیشتر از آن، نیازمند حمایت همه جانبه و بحث در مورد تأمین و تضمین حقوق قانونی اش داشت ولی این جنبه نیز کاملاً فراموش شده بود.

در نتیجه می توان گفت که بزه دیده با وجود نقش و ابعاد مهم و قابل بحثی که داشته جایی در سیاست جنایی نیافته بود و شاید به همین دلیل است که جرم شناس آمریکایی به نام کارمن در کتاب خود تحت عنوان «قربانیان جرم: مقدمه ای بر بزه دیده شناسی»^{۳۱} پس از بیان مشکلات متعدد جرم برای بزه دیده، با لحنی انتقاد آمیز و تند جرم شناسی و جرم شناسان و به تبع آن سیاست جنایی را تک بعدی خوانده و به همین دلیل آن ها را دارای زاویه دید محدودی دانسته و جرم شناسی معادل کلمه انگلیسی «Criminology» را «مرتکب شناسی» معادل کلمه «Offenderology» نامیده است، چرا که دغدغه اصلی و محوری جرم شناسی فقط شناخت بزه کار بوده و در نتیجه بزه دیده کاملاً فراموش شده است.

۳۰. فیلیزولا، ژینا، و گپز، ژرار، بزه دیده و بزه دیده شناسی، ترجمه روح الدین کرد علیوند و احمد محمدی، مجمع علمی فرهنگی مجد، فصل دوم، ۱۳۷۹، صص. ۵۱-۶۸.

31. Karmen, A. Crime Victims: An Introduction to Victimology, California, Brook/ Publishing, 1990, p. 8.

ظهور جنبش حمایت از بزه‌دیده و توجه به نقش کلیدی او در پیش‌گیری از جرم به‌ویژه با استفاده کاربردی از اطلاعات بزه‌دیده در مورد کمیت و چگونگی بزه‌دیده شدن‌اش در دهه‌های هشتاد و نود میلادی (قرن بیستم) تحول بزرگی هم در نحوه برخورد و برنامه‌ریزی‌های پلیسی داشت و هم در حوزه پیش‌گیری از جرم و حمایت از بزه‌دیده نقش به‌سزایی ایفا نمود.^{۳۲} شاید قبل از این تاریخ یعنی دهه‌های شصت و هفتاد اروپا و یک دهه قبل در ایران کم‌تر کسی به وضع بد بزه‌دیدگان و مهم‌تر از آن نقش آنان در پیش‌گیری از جرم توجه داشت؛ زیرا به گونه‌ای که در قسمت اول توضیح داده شد در پی پیشرفت‌های عصر جدید حقوق جزا و جرم‌شناسی علمی، دولت و پلیس مسئول پیگیری پرونده مربوط به جرم و تصمیم‌گیری درباره آن با محور قرار دادن حقوق و آزادی‌های بزهکار یا کیفر وی بودند و بزه‌دیده نقشی در فرایند تعقیب و تصمیم‌گیری درباره جرم و مرتکب آن نداشت مگر به‌عنوان شاکی یا اعلام‌کننده جرم و در محدود کشورهای مثل ایران که جرایم قابل گذشت داشتند و گاهی می‌توانست با گذشت خویش باعث ارفاق به مرتکب شود. در نتیجه بزه‌دیده هیچ نقشی در فرایند دادرسی یا کنترل و پیش‌گیری از جرم و به‌طور کلی در سیاست جنایی بازی نمی‌کرد. به عبارت دیگر کشف، تعقیب، دستگیری، تحقیق، محاکمه و تعیین مجازات همگی از وظایف خاص حکومتی ارگان‌های مختلف دولتی از جمله پلیس و دستگاه قضایی بود و به همین دلیل نقشی نیز در برنامه‌های مبارزه با جرم برای بزه‌دیده در نظر گرفته نمی‌شد و حتی جبران حقوق فردی و از دست رفته وی نیز دغدغه نظام عدالت کیفری نبود.

آشکار شدن توجه به بزه‌دیده و ظهور رشته بزه‌دیده‌شناسی و «جنبش بزه‌دیدگان» مبدأ تحولات جدید در نظام عدالت کیفری و سیاست جنایی مربوط به کنترل جرم شده که هنوز ادامه دارد. دلایل این امر، بسیار زیاد است و از پیچیدگی خاص برخوردار می‌باشد اما به گونه‌ای که قبلاً اشاره شد مهم‌ترین آن‌ها به شکست یا موفقیت کم سیاست‌های بزهکار-محور چه در حوزه کنترل جرم (پیش‌گیری و ظهور پلیس در جامعه) و چه در حوزه کیفر و اجرای آن برمی-گردد. این امر در یک فرآیند پیچیده و نسبتاً طولانی منتهی شد به توجه به جنبه‌های مدیریتی کنترل جرم یعنی اقداماتی که بدون توجه به ریشه‌ها و عوامل ارتکاب جرم قصد خنثی کردن و تثبیت آن را دارد. به عبارت دیگر، جرم‌شناسی و پیش‌گیری از جرم با تغییر نگاه خود از بزهکار به بزه‌دیده و نقطه عطف تلاقی زمانی و مکانی سه عنصر ضروری برای تحقق فعل مجرمانه (یعنی بزهکار با انگیزه، بزه‌دیده یا آماج حمایت نشده و نبود مانع) به جرم‌شناسی مبتنی بر پیش‌گیری از طریق کنترل محیط جرم و سیطره بر موقعیت یا وضعیت وقوع جرم تغییر جهت داد و در یک کلام به پیش‌گیری وضعی و بزه‌دیده-محور از جرم روی آورد.^{۳۳} تمرکز فزاینده بر بزه‌دیده نیز خود دلایلی داشت که ذکر آن‌ها خالی از وجه نیست:

یکی که قبلاً نیز اشاره شد به نیاز پلیس به اطلاعات بیشتر، یقین‌آورتر و همکاری مردم برمی‌گردد؛ یعنی همان توجه به بزه‌دیدگان جرم به‌عنوان یک منبع اطلاعاتی مطمئن‌تر از بزهکاران. به عبارت دیگر از دهه‌های شصت و هفتاد میلادی در قرن گذشته این مشکل رخ نمود که «رقم سیاه» جرایم تأثیر زیادی روی سیاست‌های مربوط به جرم دارد و بنابراین لازم است به‌طریقی حل شود.^{۳۴} رقم سیاه اشاره به جرایمی دارد که یا کشف نشده، یا ثبت نشده و یا رسیدگی به آنها به‌طریقی به نتیجه نهایی نمی‌رسد ولذا در آمار جنایی جای نمی‌گیرند و از گردونه سیاست‌گذاری خارج می‌گردند.

۳۲. ویلیامز، کاترین، «تأملی بر بزه‌دیدگی و انواع آن»، همان.

۳۳. صفاری، علی، «مبانی نظری پیش‌گیری وضعی از جرم»، همان.

۳۴. در مورد شیوه‌های مرسوم سنجش جرم و معایب آن‌ها به‌ویژه رقم سیاه، رک.

- گسن، ریموند، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، چاپخانه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۰، صص. ۱۰۹-۸۳.

بهترین روشی که در دهه هفتاد برای اولین بار در سال ۱۹۶۶ در امریکا ابداع شد شیوه تحقیق از بزه‌دیدگان جرم بود که به «Crime (Victim) Survey» یعنی تحقیقات پیمایشی جرم (بزه‌دیده) موسوم شد. در این تحقیق از تعداد ۱۰/۰۰۰ (ده هزار نفر) بزه‌دیدگان اهالی امریکا پرسیده شد که چه میزان از جرایمی را که از آن آسیب دیده‌اند به پلیس گزارش داده‌اند. این کار برای کمیسیون منتخب از سوی ریاست جمهوری امریکا برای نظارت بر اجرای قانون و عدالت انجام شد.^{۳۵}

همین‌طور یک تحقیق به صورت خود گزارشی در انگلستان در سال ۱۹۷۷ توسط دو نفر به نام‌های «West» و «Farrington» نشان داد که تنها ۱۳٪ از موارد سرقت از منزل منجر به صدور حکم محکومیت شده و این رقم در مورد سرقت وسایل نقلیه به حدود ۶٪ می‌رسد.^{۳۶}

اولین تحقیق از مجنی علیه تحت عنوان «Victim Survey» یعنی تحقیقات پیمایشی از بزه‌دیدگان (جرم) در سطح ملی در انگلستان در سال ۱۹۸۲ انجام شد که بعداً در سال‌های ۱۹۸۴، ۱۹۸۸، ۱۹۹۲، ۱۹۹۶ و ... تکرار گردیده است و در آن‌ها از ۱۱۰۰۰ خانواده در انگلستان و ولز و ۵۰۰۰ خانواده در اسکاتلند درباره تجارب آن‌ها از جرم یعنی بزه‌دیده شدن ایشان پرسش به عمل آمده است. نتایج دو تحقیق اول توسط دو محقق به نام «Hough» و «Mayhew» در سال‌های ۱۹۸۴-۵ و تحقیق سوم نیز توسط سه نفر در سال ۱۹۸۸ به صورت تحلیلی به چاپ رسید.^{۳۷} این روش‌ها در کشورهای دیگر دنیا از جمله کانادا، سوئد، نروژ، استرالیا، فنلاند، سوئیس، هلند، آلمان، بلژیک، فرانسه، ژاپن و نیز در ترکیه به اجرا درآمده است.^{۳۸}

دلیل دیگر توجه بیش از پیش به بزه‌دیده از ابعاد مختلف، حرکت‌ها و نوشته‌ها و تحقیقات انجام شده توسط نویسندگان و صاحب‌نظران فمینیست در زمینه کمبودها، نیازها و حمایت‌های مورد نیاز دسته‌هایی از بزه‌دیدگان به‌ویژه زنان و کودکان است. این نوشته‌ها زاویه نسبتاً وسیعی از بی‌توجهی به زنان چه به‌عنوان بزه‌دیده یا بزه‌کار را باز کرد و واقعیت‌هایی را به‌ویژه در شیوه برخورد دستگاه عدالت جنایی با آنان و حوزه‌های متعدد نیازمندی‌های آنان به‌عنوان بزه-دیدگان جرایم خشونت‌آمیز و خانگی پیش روی صاحب‌نظران نهاد.^{۳۹} این نظریات بیشتر در واکنش به ناتوانی

35. Ennis, P., "Crime, Victims and the Police", Trans- Action, No. 4 (7), 1967pp,36-44.

۳۶. برای آگاهی بیشتر ر ک.

- Sparks, R., Genn, H. & Dodd, D., Surveying Victims, Chichester, Wiley, 1977.

- Hood & Sparks, Key Issues in Criminology, London, 1970, Ch. 1-2.

37. Hough & Mayhew, The British Crime Survey: First Report, Home Office Research Study, No. 76, London, HMSO, 1983.

- Mayhew P., Elliot & Dodds, The 1988 British Crime Survey, London/ HMSO, 1988.

- Mirrlees- Black, G. , Mayhew. P. & Percy, A., The 1996 British Crime Survey: England & Wales, London, Home Office Research & Statistics Division, 1996.

۳۸. برای آگاهی بیشتر در مورد منابع مذکور و مقایسه با یک تحقیق مستقل، ر ک.

- Jones, Maclean & Young, The Islington Crime Survey: Crime Victimisation & Policing in Inner- City London, London, Gower, 1986.

- Pearce, Frank, Second Islington Crime Survey: Commercial & Conventional Crime in Islington, London, Middlesex Polytechnic Centre for Criminology, 1990.

۳۹. برای مثال در مورد ادبیات فمینیستی مربوط به بزه‌دیدگی زنان، ر ک.

-Dobash R. E. & Dobash, R. P., Violence Against Wives: A Case Against Patriarchy, Somerset: Open Books, 1980.

- Dobash R. E. & Dobash, R. P., Women, Violence And Social Change, London: Routledge, 1992.

جرم‌شناسی رایج در تبیین پایین بودن جرایم زنان در مقایسه با مردان و نیز افزایش آن در برخی موارد از نظر فمینیست‌ها و نیز در پاسخ به توده‌ای نسبتاً زیاد از ادبیات بزه‌دیده‌شناختی بود که بیشتر زنان را مقصر ارتکاب جرم (بیشتر در جرایم جنسی و خانگی) قرار می‌داد. این ادبیات اشاره به تحقیقاتی علمی و میدانی دارد که در سال‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ میلادی در مورد اثبات نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم و در نهایت وقوع آن انجام شد. مندلسون^{۴۰} و فون هنتیک (جرم‌شناس آلمانی)^{۴۱} معروف‌ترین پرچمداران این مطالعات و نظریه تقصیر بزه‌دیده در ارتکاب جرم هستند. این دوره از ادبیات بزه-دیده‌شناختی را برخی بزه‌دیده‌شناسی نخستین یا علمی (کلاسیک)^{۴۲} نامیده‌اند و برخی دیگر از پیشگامان مطالعات بزه‌دیده‌شناختی در غرب آن را دوره «سرزنش یا مقصر دانستن بزه‌دیده» نام نهاده‌اند.^{۴۳}

ادبیاتی از این دست یکی از عوامل مهم رشد تحقیقات فمینیستی درباره بزه‌دیدگی‌های متعدد زنان شد و نشان داد که سطح وسیعی از بزه‌دیدگی‌ها دامن‌گیر زنان است و باوجود نیازهای وسیع مادی و غیرمادی، نظام عدالت کیفری و پلیس اصلاً به آن‌ها توجهی ندارد و امکانی نیز برای رفع آن در نظر گرفته نشده است. تصور کنید خانمی که از همسر یا یکی از بستگان خود کنک خورده و از خانه اخراج شده یا فرار کرده تا جان خود را نجات دهد و یا مورد تجاوز جنسی بیگانه یا فردی آشنا قرار گرفته چه محل امنی برای اقامت و دست و پنجه نرم کردن با عوارض روحی و جسمی حاصل از بزه-دیدگی‌اش دارد؟ آیا اداره پلیس چنین امکانی را به وی می‌دهد؟ زندان چطور؟ آیا اصولاً چنین فردی اگر در زندان یا بازداشتگاه پلیس برده شود مورد بزه‌دیدگی ثانویه قرار نمی‌گیرد؟ ده‌ها پرسش از این قبیل وجود دارد که نظام عدالت کیفری برای آن تدبیری نیاندیشیده بود و در حال حاضر تحولاتی در این خصوص در سراسر دنیا رخ داده است.

عامل مهم دیگر توجه بیش از پیش به بزه‌دیده، درک و شناخت سهم بزه‌دیده در تکوین و وقوع جرم است. همان‌طور که گذشت، هر چند این‌گونه طرز فکر نسبت به بزه‌دیده به‌ویژه زنان بزه‌دیده با تحقیقات مندلسون و فون هنتیک شروع شد و واقعاً بعد جدیدی از دنیای ناشناخته بزه‌دیده و جرم را به روی اندیشمندان و دست‌اندرکاران باز نمود، اما تحقیقات بعدی سعی در علمی‌تر کردن چنین یافته‌هایی نمودند و در موارد زیادی نشان دادند که نحوه زندگی برخی بزه‌دیدگان یا شیوه ظاهر شدن آن‌ها در اجتماع و چیزهای شبیه به این می‌تواند سبب بزه‌دیدگی آنان و به عبارت دیگر پروراندن شدن موقعیتی به ضرر زنان و شکل‌گیری بزه‌دیدگی و در برخی موارد ترغیب دیگران به ارتکاب جرم علیه آنان گردد.^{۴۴} به‌عنوان مثال ظاهر شدن زنان و دختران جوان و خوش‌سیم با یک پوشش نامناسب و گاه

- Stanko, Elizabeth, A., "Typical Violence, Normal Precaution: Men, Women and Interpersonal Violence in England, Wales, Scotland and The USA", In Hanmer & M. Maynard (Eds.), Women, Violence and Social Control, London Macmillan, 1987.

- Stanko, E., "Hidden Violence Against Women", in Mike Maguire and John Pointing (Eds.), Victims of Crime: A New Deal?, Milton Keynes: Open University Press, 1988.

- Stanko, E., "When Precaution is Normal: A Feminist Critique of Crime Prevention, in L. Goldthorp And A. Morris (Eds.), Feminist Perspectives on Criminology, Buckingham Open University Press, 1990.

40. Mendelson, B., New Bio-Psychological Horizons: Victimology, American Law Review, Vol. 13, 1947.

41. Von Hentig, H., The Criminal & his Victim, New Haven, Connecticut: Yale University Press, 1948.

۴۲. کی‌نیا، مهدی، «بزه‌دیده‌شناسی یا مجنی‌علیه‌شناسی»، نشریه دانشکده علوم قضایی، شماره ۱، ۱۳۷۰.

- فیلیزولا، ولپر، همان، فصل دوم.

43. Sparks, Genn, & Dodd, op. cit: p. 98-99.

- Walklate, S., Victimology: The Victim & the Criminal Justice Process, London, Unwin Heman Ltd: 1989, p. 1-2.

- Block, R., "Victims- Offender Dynamics in Stranger to Stranger Violence: Robbery And Rape", in A. E. Fattah (Ed.), The Plight of the Crime Victims in Modern Society, London, Macmillan, 1989, pp. 231-251.

۴۴. برای آگاهی بیشتر، رک.

تحریک‌آمیز (البته از نظر مردان) به تنهایی یا در ترکیب با عواملی دیگر مثل گذر از محل‌های خلوت هم‌چون پارک‌های خلوت یا طنازی کردن و به تنهایی سوار خودروهای عبوری شدن می‌تواند عامل قوی برای بروز بزه‌دیدگی یا همان جرم نسبت به زنان و تحریک به آن گردد. همین‌طور است رها کردن اموال و اشیای گران‌قیمت در جلوی دید مردم بدون محافظت مناسب از آن‌ها یا همراه داشتن مبالغ زیادی وجه نقد یا اشیای قیمتی بدون استفاده از وسیله حمل مناسب و احیاناً گذر از محل‌های خلوت و تاریک.

آن‌چه در مورد این‌گونه تحقیقات قابل توجه است و بیشتر باعث نقد از سوی دیگران به‌ویژه فمینیست‌ها شده این که اغلب تحقیقات مبتنی بر عواملی از نوع اشاره شده بیشتر در جوامع غربی صورت گرفته و بیشترین توجه نیز به جرایم نسبت به اشخاص معطوف گردیده که بزه‌دیده آن‌ها زنان هستند - به‌ویژه جرایم جنسی همانند تجاوز جنسی یا تعرض جنسی - یا به برخی انواع خاص جرایم نسبت به اموال مثل سرقت اختصاص یافته است. به‌عنوان مثال یک محقق معاصر امریکایی به نام امیر^{۴۶} معتقد است زنان دارای پوشش نامناسب و تحریک‌آمیز با نوع پوشش و رفتار خود و حتی با انتخاب راه خود - این که از چه مسیری و چگونه عبور کنند - در تکوین جرم و بزه‌دیدگی خویش نقش مؤثری ایفا می‌نمایند. به نظر همین فرد، بر اساس گزارش‌های پلیس ۱۹٪ از موارد جرایم جنسی ناشی از تأثیر عملکرد بزه‌دیده بوده است. در جرایم نسبت به اموال مثل انواع سرقت نیز، فراوانی فرصت‌های مجرمانه و جذابیت برخی اموال مثل خودروهای گران قیمت، تیزرو و پرطرفدار و دارای لوازم اضافی (اسپرت) می‌تواند باعث جذب سارقین احتمالی و حتی تحریک برخی افراد غیرسارق، به‌ویژه جوانان و نوجوانان، به دزدیدن آن‌ها گردد.^{۴۷}

جمع مطالب فوق، صرف‌نظر از صحت و سقم یا انتقادات وارد به آن‌ها، نشان می‌دهد که نه تنها برای وقوع یک جرم وجود بزه‌دیده ضروری است - دست کم در جرایم دارای بزه‌دیده واقعی یا ظاهری - بلکه بزه‌دیده گاهی در بروز جرم نیز تأثیرگذار است و به اصطلاح نقش فعال و کنشی دارد و یا دست کم بزه‌دیده همیشه بی‌تأثیر و خنثی در وقوع جرم نیست. به عبارت دیگر، جرم یک واقعه ساده یعنی صرفاً کنش بزه‌کار نیست بلکه در خیلی موارد نشان‌گر نوعی ارتباط و تعامل تعیین کننده و سازنده یک نتیجه خاص بین بزه‌کار و بزه‌دیده است. علاوه بر این، توجه به این بُعد بزه‌دیده در پژوهش‌های مختلف نشان داده که نرخ جرم بیش از آن که تحت تأثیر انگیزه‌های مجرمانه بزه‌کار باشد تحت تأثیر یا

- ویلیامز، «روش زندگی و تأثیرگذاری بزه‌دیده بر وقوع جرم»، همان، صص. ۴۳۲-۴۰۳.

۴۵. مراجعه به صفحات حوادث روزنامه‌ها در ایران موارد زیادی از این‌گونه جرایم را نشان می‌دهد که به‌خاطر بی‌احتیاطی‌های بزه‌دیدگان رخ داده است.

46. Amir, M., Patterns of Forcible Rape, Chicago, University of Chicago Press, 1971.

در مورد همین نظر نسبت به دیگر جرایم علیه اشخاص یعنی قتل، ر.ک.

- Wolfgang, M. E., Patterns of Criminal Homicide, Philadelphia, Pennsylvania: University of Pennsylvania Press, 1958.

در این تحقیق که با مطالعه ۵۸۸ پرونده قتل به عمل آمده، در ۲۶٪ از موارد مطالعه شده بزه‌دیده اولین قدم را برداشته ولی نهایتاً به مرگ خودش منتهی شده است.

۴۷. در مورد تأثیرات مختلف بزه‌دیده و اشیای موضوع جرم بر وقوع آن، ر.ک.

- ویلیامز، «تأملی بر بزه‌دیدگی و انواع آن»، همان، صص. ۳۰۲-۲۵۹.

ناشی از آسیب‌پذیری خاص بزه‌دیدگان یا دسته‌های خاصی از آنان است که به دلایل متعددی خود را در معرض یک خطر جدی قرار می‌دهند مثل، سن، جنس، شغل، شیوه زندگی، محل زندگی و ...^{۴۸}

عامل دیگر در شناخت بزه‌دیده و توجه به نقش و ارتباط او با بزه و پیش‌گیری از جرم این است که چنین ارتباطی یک عامل مهم و تعیین کننده در کشف، شناسایی، دستگیری و در نهایت تصمیم‌گیری در مورد جرایم ارتكابی و همین‌طور میزان کارکرد نظام عدالت کیفری و نهایتاً پیش‌گیری از جرم است. چون اگر پرونده‌ها تعیین تکلیف نهایی نشوند پلیس و دستگاه قضایی آن را جزو آمار نهایی خود محسوب نمی‌کنند، بنابراین وقتی ارتباطی بین بزه‌کار و بزه‌دیده باشد و در برخی موارد (مثل قتل و تجاوز جنسی) روابط عمیق و دیرینه‌ای بین آنها باشد مشکل شناسایی مرتکب کم‌تر می‌شود در حالی که در دیگر جرایم مثل برخی انواع سرقت (که ارتباط کم‌تری بین بزه‌کار و مال‌باخته وجود دارد) میزان شناسایی مرتکب کم‌تر است.

مسئله دیگر که نباید نقش آن در توجه بیشتر به بزه‌دیده و در نهایت وارد کردن او در سیاست جنایی فراموش شود این که در خیلی موارد بزه‌کار و بزه‌دیده کاملاً از یکدیگر قابل تفکیک نیستند و جای یکدیگر را می‌گیرند یا هر دو هم بزه‌کار و هم بزه‌دیده هستند؛ مثل جرایم ضرب و شتم، قتل، مواد مخدر و خشونت‌های خانوادگی. در این گونه جرایم ممکن است از نظر قانون فقط آسیب دیده را بزه‌دیده نامید اما در واقع و در یک تحلیل جامعه‌شناختی - روان‌شناختی از مسئله، بزه‌دیده گاهی بزه‌کار است و بالعکس.

مسئله‌ای که خیلی ساده به نظر می‌رسد ولی مهم است و می‌تواند نقش بزه‌دیده را در شکل‌گیری سیاست‌های مربوط به جرم نشان دهد توجه به نقش بزه‌دیده در تعریف و نامیدن آن به عنوان جرم و اعلام به مراجع قانونی است. به عبارت دیگر، بزه‌دیده باید عمل انجام شده علیه خود را جرم تلقی کرده و به پلیس گزارش دهد و اگر آن را جرم تلقی نکند قطعاً به پلیس گزارش نمی‌کند و وقتی به پلیس گزارش نشود جزو آمار جنایی نیز ثبت نمی‌گردد. این امر در پرتو این واقعیت که بیشتر جرایم را بزه‌دیدگان یا متضررین از آن گزارش می‌دهند یا تصمیم به گزارش آن می‌گیرند بسیار پر اهمیت‌تر می‌گردد و نقش آموزشی بزه‌دیدگان در پیشگیری یا دست کم کشف جرم را آشکارتر می‌سازد.

امر مهم دیگر در توجه به بزه‌دیده در سیاست‌های مربوط به جرم پیدایش حرکتی به نفع بزه‌دیده برای بهبود و بالا بردن نقش او در نظام عدالت کیفری است. در قسمت اول بحث کاملاً توضیح داده شد که در اثر تحولات کیفری بعد از عصر روشن‌گری بزه‌دیده چگونه تبدیل به سیندرلای نظام عدالت کیفری شد و پلیس و دستگاه قضایی همه اختیارات را از وی ربودند و او را از فرآیند کیفری حذف و جدا کردند. این وضعیت به‌طور طبیعی به این امر منتهی می‌شود که بزه‌دیده در برابر بزه‌دیدگی‌اش چیزی به‌دست نیاورد (جبران خسارات نشود). در نتیجه این بحث مطرح می‌شود که به‌جای محکوم کردن بزه‌کار، به حمایت از بزه‌دیده و کسب رضایت وی و حمایت از او در برابر بزه‌کار و دیگر آثار ناشی از جرم پرداخت، یعنی همان هدف نهایی از عدالت ترمیمی (به‌جای عدالت کیفری کلاسیک)^{۴۹} که امروزه در سراسر دنیا مطرح شده است.

۴۸. در این مورد کاترین ویلیامز به نقل از اسپارکس شش مورد را معرفی می‌کند که می‌توانند باعث انتخاب یک بزه‌دیده یا انتخاب شدن فرد یا شخصی به عنوان بزه‌دیده شوند که عبارتند از: «آسیب‌پذیر بودن، فرصت، جذابیت، تسهیل، تأثیر گذاری و مصونیت [مرتکب از تعقیب و مجازات]».

- ویلیامز، «روش زندگی و تأثیر گذاری ...»، همان.

۴۹. برای آگاهی بیشتر در مورد عدالت ترمیمی و تفاوت آن با عدالت کیفری، ر.ک.

- نجفی ابرند آبادی، همان، صص. ۳۵-۳.

پیدایش عدالت ترمیمی در نهایت باعث شد تا ماهیت مداخله و نحوه مبارزه با جرم تغییر کند و نحوه اندیشیدن درباره جرم و کنترل نسبت به گذشته متفاوت گردد. یکی از بارزترین تبلورهای چنین تحولی در پیش‌گیری مبتنی بر بزه- دیده یا پیش‌گیری بزه‌دیده‌مدار به‌جای بزه‌کارمدار قابل مشاهده است و شکل و قالب پیش‌گیری وضعی یا موقعیت‌مدار بیشتر مبتنی بر اطلاعات به‌دست آمده از بزه‌دیدگان در مورد بزه‌دیدگی آنان و نیز ویژگی‌های آنان استوار است. همین اطلاعات است که شیوه و شگرد پیش‌گیری وضعی را تعیین می‌نماید، هر چند شیوه‌های پیش‌گیری وضعی ضرورتاً بر بزه‌دیده (به‌ویژه به معنی خاص کلمه) استوار نیست ولی غالباً بر بزه‌دیده اعم از بزه‌دیده خاص یا در معنی عام کلمه مبتنی است.^{۵۰}

۵۰. برای آگاهی از پیش‌گیری وضعی و شگردهای آن، ر.ک. - صفاری، «مبانی نظری پیش‌گیری وضعی از جرم»، همان.

نتیجه گیری

برای رسیدن به پیش گیری واقعی از جرم، شناخت یا وقوع دو امر مهم لازم و ضروری است: یک - شناخت و درک صحیح و علمی از جرم مورد نظر و فرآیند وقوع آن از جمله نقش تأثیرگذار و محوری بزه دیده، بزه کار، جامعه و دولت، به ویژه پلیس و دستگاه قضایی در تکوین و پیش گیری از آن؛ دو - شناخت آثار جرم و تأثیر آن بر زندگی فردی و اجتماعی مردم، به ویژه بزه دیدگان مستقیم جرم و نقش حیاتی آنان در کشف و کنترل آن جرم. شناخت این دو امر مهم نشان می دهد که پیش گیری از جرم به طور کلی از مبارزه و واکنش در برابر آن مهم تر است، به چند دلیل:

نخست این که پیش گیری با هر ایدئولوژی و تفکر ارزشی درباره جرم هماهنگ است و در تفکر اسلامی نیز توصیه شده است. پیش گیری را می توان علاوه بر ایدئولوژی در هر دیدگاه سیاسی از حکومت و عدالت کیفری نیز برنامه ریزی کرد.

دوم این که، پیش گیری نظم و آسایش فردی و اجتماعی را بهتر و بیشتر تأمین می کند، چرا که در خیلی از موارد جرایم کشف یا ثبت نمی شوند یا مرتکبین آن شناسایی یا دستگیر یا مجازات نمی شوند و این امر به طور مضاعف نگرانی فردی و اجتماعی را افزایش می دهد و اعتماد مردم را نسبت به دستگاه های مسئول برقراری نظم و امنیت کاهش می دهد یا از بین می برد. از طرف دیگر، اجرای خیلی از کیفرها به ویژه حبس و اعدام بیش از آن که پیامدهای جرم را زایل کند، یا ارتباطی به آن ندارد و یا مشکلات متعددی برای مردم و حکومت فراهم می نماید. اجرای موفق کیفر اعدام یا زندان یا قطع عضو در نظام کیفری ایران می تواند نگرانی های جدی و اسباب دل مشغولی های فراوانی را برای بستگان و بازماندگان مرتکب و خود مرتکب (جز در مورد اعدام) فراهم نماید.

دست آخر این که تکرار و تداوم به ظاهر اجتناب ناپذیر جرم، به ویژه اگر جرم یا برخی از جرایم رشد فزاینده داشته باشند می تواند در بین نیروهای دست اندرکار اجرای قوانین کیفری و برقراری نظم، ایجاد ناامیدی کرده و در مواردی آستانه تحمل ایشان را کاهش داده و دستگاه های عمومی پاسخ دهنده به مشکلات جرم در جامعه به ویژه پلیس و دستگاه قضایی را دچار حالت انفعال و واکنش های تند و مقطعی در برابر جرم نموده و به جای تصمیم گیری های درازمدت و عاقلانه و کاملاً مبتنی بر اصول و پژوهش های علمی در برابر جرم، ایشان را به کژراهه و واکنش های تند و بی ثمر هدایت نماید.

این امر می تواند از یک بُعد افزایش کیفرها و تشدید بی رویه تقنینی یا قضایی آن را به دنبال داشته باشد. از طرف دیگر، تشدید بی رویه و سخت گیری های مقطعی و واکنشی نه تنها به خودی خود بد و ناپسند است بلکه می تواند مشکلات متعدد سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی در سطح داخلی و بین المللی برای کشور ایجاد نماید و بودجه و نیروی انسانی بیشتری را به خود جذب نماید. این در حالی است که واکنش و برخورد کیفری همیشه کم ترین نتیجه را برای جامعه به دنبال دارد. به عنوان مثال می توان پرسید که بازداشت و محاکمه و احیاناً کیفر مقصرین در قضیه مربوط به ریزش ساختمان واقع در سعادت آباد تهران و قتل عام بیست تن از جوانان و مردم این کشور در تابستان ۱۳۸۷ که بی هیچ گناهی قربانی عدم رعایت قوانین ساده در طراحی و اجرای ساختمان های مسکونی و سپس عدم رعایت آن در تخریب صحیح آن گردیدند (اگر کیفری تعیین و اجرا شود، چون تا زمان تحریر این مقاله یعنی پاییز سال ۱۳۸۸ هنوز از سرنوشت پرونده خبری نیست) چه سودی برای جامعه و برای صاحبان این خون های به ناحق ریخته دربر خواهد داشت؛ چرا که اگر میخی در دیواری زیبا فرو رود و سپس بیرون کشیده شود جای آن باقی خواهد ماند.

فهرست منابع کتاب و مقالات فارسی

۱. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، چاپ بیست و یکم، نشر میزان، ۱۳۸۸.
۲. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ بیستم، نشر میزان، ۱۳۸۸.
۳. بکاریا، سزار (۱۷۹۴)، «رساله جرایم و مجازات‌ها»، ترجمه محمد علی اردبیلی، چاپ پنجم، نشر میزان، زمستان ۱۳۸۵.
۴. پاکنهاد، امیر، سنجش و مدیریت ریسک جرم، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.
۵. جلالی و رنا مخواستی، مصطفی، عدالت آماری: سیاست کیفری مبتنی بر برآورد عینی خطر در فرآیند کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۵.
۶. سلیمی، علی، و داوری، محمد، جامعه‌شناسی کج‌روی، زیر نظر غلامرضا صدیق اورعی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.
۷. صفاری، علی، کیفرشناسی، تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی، (با اصلاحات و اضافات جدید)، چاپ هفتم، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸.
۸. صفاری، علی، «مبانی نظری پیش‌گیری وضعی از جرم»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۰.
۹. صفاری، علی، کیفرشناسی و توجیه کیفر، علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقای دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران)، جلد دوم، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴.
۱۰. صفاری، علی، اهمیت پیش‌گیری از جرم، دیپاچه در امیرحسن نیازپور، بزه‌کاری به عادت: از علت‌شناسی تا پیش‌گیری، انتشارات فکرسازان، ۱۳۸۷.
۱۱. فیلیزولا، ژینا، و لیز، ژرار، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمدی، مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۷۹.
۱۲. کاری یو، روبر، «مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس در پیش‌گیری از رفتارهای مجرمانه»، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶-۳۵، ۱۳۸۱.
۱۳. کی‌نیا، مهدی، «بزه‌دیده‌شناسی یا مجنی‌علیه‌شناسی»، نشریه دانشکده علوم قضایی، شماره ۱، ۱۳۷۰.
۱۴. گسن، ریموند (۱۹۸۸)، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه مهدی کی‌نیا، چاپخانه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۰.
۱۵. ماری فیلیپ، «کیفر و مدیریت خطرها: به سوی عدالتی محاسبه‌گر در اروپا»، ترجمه حسن کاشفی اسماعیل زاده، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸-۴۹، ۱۳۸۲.
۱۶. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، «از عدالت کیفری «کلاسیک» تا عدالت ترمیمی»، فصلنامه پژوهشی علوم انسانی: الهیات و حقوق، ویژه حقوق، شماره‌های ۹-۱۰، ۱۳۸۲.
۱۷. نجفی توانا، علی، جرم‌شناسی (با تجدید نظر و اضافات)، چاپ سوم، انتشارات آموزش و سنجش، ۱۳۸۴.
۱۸. نوربها، رضا، زمینه جرم‌شناسی، چاپ سوم (ویرایش جدید)، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۶.
۱۹. وُلد، جرج، برنارد، توماس و اسنیپس، جفری، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، سمت، ۱۳۸۰.

۲۰. ویلیامز، اس. ک. (۱۹۹۷)، «تأملی بر بزه‌دیدگی و انواع آن»، ترجمه علی صفاری، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۸، ۱۳۸۲.
۲۱. ویلیامز، اس. ک. (۲۰۰۱)، «روش زندگی و تأثیرگذاری بزه‌دیده بر وقوع جرم»، ترجمه علی صفاری، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۱، ۱۳۸۴.
۲۲. ویلیامز، اس. ک. (۲۰۰۱)، «حمایت از بزه‌دیده و نهادهای مردمی»، ترجمه دکتر علی صفاری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۰، ۱۳۸۴.
۲۳. ویلیامز، فرانک، پی، و مک شین، ماری لین، دی، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمید رضا ملک محمدی، نشر میزان، ۱۳۸۳.

کتاب و مقالات انگلیسی

24. Amir, M., Patterns of Forcible Rape, Chicago, University of Chicago Press, 1971.
25. Block, R., "Victims- Offender Dynamics in Stranger to Stranger Violence: Robbery and Rape", in A. E. Fattah (Ed.), the Plight of the Crime Victims in Modern Society, London, Macmillan, 1989.
26. Box, S., "Crime, Power and Ideological Mystification", in E. Mclaughlin, Muncie, J. & Hughes, G.(Eds.), Criminological Perspectives: Essential Readings, Sage Publications, London, 2003.
27. Brantingham & Faust, (1976), "A Conceptual Model of Crime Prevention", Crime & Delinquency, No. 22, 1976.
28. Bright, J., "Crime Prevention: the British Experience", in Stenson & Cowell, The Politics of Crime Control, London, Sage, 1991.
29. Clarkson, C.M.V & Morgan, R., The Politics of Sentencing Reform, Oxford, Clarendon Press, Eds, 1995.
30. Cohen. L. & Felson, M., "Social Change & Crime Rate Trends: A Routine Activity Approach", American Sociological Review, No. 44, 1979.
31. Currie, E. & Wilson, J.Q., "The Politics of Crime: The American Experience", (A Debate between E. Currie & Wilson), In Stenson & Cowell, The Politics of Crime Control, London, Sage, 1991.
32. Currie, E., Confronting Crime: The American Challenge, New York: Pantheon, 1986.
33. Currie, E., "Social Crime Prevention Strategies in a Market Society", in Mclaughlin, Muncie, J. & Hughes, G. (Eds.), Criminological Perspectives: Essential Readings, Sage pub., London, 2003.
34. Dobash R. E. & Dobash, R. P., Violence Against Wives: A Case Against Patriarchy, Somerset: Open Books, 1980.
35. Dobash R. E. & Dobash, R. P., Women, Violence and Social Change, London: Routledge, 1992.
36. Duff, R. A. & Garland, D., "Introduction: Thinking about Punishment", in Duff & Garland (Eds.), A Reader on Punishment, Oxford University Press, 1994.
37. Elias, R., Victims Still: the Political Manipulation of Crime Victims, London, Sage, 1993.
38. Ennis, P., "Crime, Victims and the Police", Trans- Action, No. 4 (7), 1967.

39. Fattah, A. E., *The Plight of Victims in Modern Society*, London, Macmillan, 1989.
40. Feeley, M. & Simon, J., *Actuarial Justice: the Emerging New Criminal Law*, in David Nelken (Ed), *the Futures of Criminology*, Sage Publications, London, 1994.
41. Feeley, Malcolm & Simon, Jonathan, *The New Penology: Notes on the Emerging Strategy of Corrections and its Implications*, *Criminology*, Vol. 30, No. 4, 1992.
42. Fitzgerald, M. McLennan & Pawson, J. (Eds.), *Crime and Society (Readings in History and Theory)* , Routledge in Association with the Open University, London, 2002.
43. Hood & Sparks, *Key Issues in Criminology*, London, 1990.
44. Hough & Mayhew, *the British Crime Survey: First Report*, Home Office Research Study, No. 76, London, HMSO, 1983.
45. Jones, Maclean & Young, *The Islington Crime Survey: Crime Victimisation & Policing in Inner- City London*, London, Gower, 1986.
46. Karmen, A., *Crime Victims: An Introduction to Victimology*, California, Brook/ Publishing, 1990.
47. King, M., "The Political Constitution of Crime Prevention: a Contrast between the French and British Experience", in Stenson & Cowell, *The Politics of Crime Control*, London, Sage, 1991.
48. Maguire, M. & Pointing, J., *Victims of Crime: a New Deal?*, Philadelphia, Open University Press, 1988.
49. Martinson, P. "What Works: Questions & Answers about Prison Reform", *the Public Interest*, No. 35, 1974.
50. Mathiesen, T., *Prison on Trial*, London, Sage, 1990.
51. Mawby, I. R. and Gill, M., *Crime Victims: Needs, Services the Voluntary Sectors*, London, Tavistock Publications, 1987.
52. Mayhew P., Elliot & Dodds, *The 1988 British Crime Survey*, London/ HMSO, 1988.
53. McLaughlin, Eugene & Muncie, John (Eds.), *Controlling Crime*, Second Edn. , Sage Publications in Association with the Open University Press, London & Elsewhere, 2001.
54. McLaughlin, Eugene, "Key Issues in Police Work", in McLaughlin, E. & Muncie, J., *Controlling Crime*, 2nd edn, Sage Publications, 2001.
55. Meiners, *Victim Compensation: Economic, Legal and Political Aspects*, Lexington Books/ D.G., Health and Company, 1978.
56. Mendelson, B., *New Bio-Psychological Horizons: Victimology*, *American Law Review*, Vo. 13, 1947.
57. Miers, D., "Compensation and Support for Victims of Crime", *British Journal of Criminology*, No. 27 (2), 1987.
58. Mirrlees- Black, G. , Mayhew, P. & Percy, A., *The 1996 British Crime Survey: England & Wales*, London, Home Office Research & Statistics Division, 1996.
59. Muncie, J. & Sparks, R (Eds.), *Imprisonment: European Perspectives*, Open University Press, 1991.
60. Pearce, Frank, *Second Islington Crime Survey: Commercial & Conventional Crime in Islington*, London, Middlesex Polytechnic Centre for Criminology, 1990.

61. Radzinowicz, L. & King, J., *The Growth of Crime, The International Expediency*, London, Hamish Hamilton, 1977.
62. Shneider, H.R. & Kitchen, T., *Planning for Crime Prevention: A Transatlantic Perspective*, London & New York, Routledge, 2002.
63. Sparks, R. Genn, H. & Dodd, D., *Surveying Victims*, Chichester, Wiley, 1977.
64. Stanko, E., "Hidden Violence against Women", in Mike Maguire and John Pointing (Eds.) , *Victims of Crime: A New Deal?* , Milton Keynes: Open University Press, 1988.
65. Stanko, E., "When Precaution is Normal: AFeminist Critique of Crime Prevention" in L. Goldthorp and A. Morriss (Eds.) , *Feminist Perspectives on Criminology* , Buckinkgam Open University Press, 1990.
66. Stanko, Elizabeth, A., "Typical Violence, Normal Precaution: Men, Women and Interpersonal Violence in England, Wales, Scotland and the USA" , in Hanmer & M. Maynard (Eds.) *Women, Violence and Social Control*, London Macmillan, 1987.
67. Sutton, A., "Crime Prevention: Promise or Threat", *Australian & New Zealand Journal of Criminology*, No. 27, 1994.
68. Vass, A.A., *Alternatives to Prison: Punishment, Custody and the Community*, London, Sage, 1990.
69. Von Hentig, H., *The Criminal & His Victim*, New Haven, Connecticut: Yale University Press, 1948.
70. Walklate, S., *Victimology: The Victim & The Criminal Justice Process*, London, Unwin Heman Ltd: 1989.
71. Walklate, S., *Victimology: The Victim and the Criminal Justice Process*, London, Unwin, Hyman Ltd:1989.
72. Wolfgang, M. E., *Patterns of Criminal Homicide*, Philadelphia, Pennsylvania: University of Pennsylvania Press, 1958.